

بررسی و نقد منابع گرجستان و دولت صفوی

متون تاریخی، اسناد و تحقیقات

○ تامیلا جموخادزه
گرجستان

۱- منابع تاریخی

اطلاعاتی در مورد روابط ایران و گرجستان در منابع زبان‌های مختلف حفظ شده است. بین آن‌ها منابع فارسی اهمیت بسیار زیادی دارند، زیرا حوادث تاریخی آن زمان را به تصویر کشیده‌اند. روابط دیرینه ایران و گرجستان در قرن دهم هـ. ق / شانزدهم میلادی گسترش پیدا کرد. حملات مداوم خسارات بسیاری به گرجستان وارد کرد. شهرها یکی پس از دیگری به تصرف درآمد و از مردم خالی می‌شد و باغ‌ها و تاکستان‌ها از بین می‌رفت. هزارها گرجی اسیر شده و دام و طیور آنان غارت شد. طبیعی است که همه این عوامل باعث شد تا کشور دچار ضعف اقتصادی و فرهنگی شود، امری که پیش از این نیز سابقه داشت.

کمبود منابع کتبی تاریخی نتیجه چنین وضعیتی است. موقعی که تاریخ‌نویسی ایران به اوج عظمت خود رسیده بود، وضع تاریخ‌نویسی گرجستان خیلی وخیم بود. این کتابها هم در آتش سوختند. به قول ایوان جاواخیشویلی [Ivane Javakhishvili] تاریخ‌نویسی آن زمان، نشانه حقیقی وضعیت گرجستان آن زمان است «بجای کتابهای تاریخی‌ماهرانه، وقایع‌نامه‌های کوچک نوشته می‌شد. تاریخ‌نویسی گرجی را بدتر از این اصلاً نمی‌شود تصور کرد». ولی باید خاطر‌نشان کرد که خوشبختانه چنین وقفه‌ای، امری موقتی بوده است. مشخص می‌باشد که از نیمه دوم قرن یازدهم هـ. ق / هفدهم میلادی تاریخ‌نویسی گرجی مجدداً شروع به پیشرفت کرد و رونق یافت. این یک حقیقت است که مورخان بعدی برای روشن ساختن تاریخ قرن دهم هـ. ق / شانزدهم میلادی مجبور بودند از منابع خارجی، و در درجه اول از منابع فارسی استفاده کنند. زیرا که مؤلفان این منابع شاهدان عینی حوادث زمان خود بودند. به

این دلیل در منابع تاریخی فارسی توصیف حوادث آن زمان بیشتر، گسترده‌تر، روشن‌تر و دقیق‌تر است. وضعیت روحیه (پسیکولوژی) مورخین، تأثیرات اشخاص تاریخی آن زمان، تمایل آنها، نظرات ایدئولوژی و سیاسی، در منابع فارسی بهتر گفته شده است و تاریخها دقیقتر هستند. در نتیجه بعضی اوقات منابع فارسی از نظر مطالعه و بررسی روابط ایران و گرجستان، دارای اطلاعات منحصر بفردی می‌باشند.

در زمان صفویان کتابهای تاریخی ارزشمند زیادی نوشته شده است. تنها در قرن دهم هـ. ق / شانزدهم میلادی در تاریخ‌نویسی فارسی مورخان بزرگی پیدا شده‌اند از جمله: مؤلف ناشناس کتاب شاه اسماعیل اول، حسن روملو، شرف‌خان بدلیسی، قاضی احمد غفاری، خورشاه، بوداق قزوینی، افوشته‌ای نطنزی و اسکندربیک منشی که فعالیت او بیشتر در قرن یازدهم / هفدهم گسترش پیدا کرد. در تاریخ‌شناسی گرجی بیشتر نوشته‌های این مورخین مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.^۲

هنگام تحلیل و بررسی اطلاعات موجود در منابع مختلف باید وضعیت اجتماعی مؤلف، وضعیت زمان مورد بحث و بررسی، زندگی‌نامه و شخصیت مورخین در نظر گرفته شود. برای تأیید حقیقی بودن منابع با کاربرد روش تحلیل انتقادی^۳ و مقایسه با سایر منابع دارای اطلاعات مشابه، می‌توان به حقیقت حوادث دست یافت. همانطور که می‌دانیم، یک اتفاق تاریخی به تنهایی و مستقل بوجود نمی‌آید. اتفاق تاریخی یک حلقه در زنجیره تاریخی می‌باشد. اتفاق تاریخی را فقط با در نظر گرفتن مکان و زمان تاریخی می‌توان توصیف کرد.^۴ بدین ترتیب مشخص کردن شرایط مذکور امکان می‌دهد درباره اهمیت این اتفاق

مورخان و محققان
گرجی برای
روشن ساختن
تاریخ قرن دهم
ه. ق /
شانزدهم میلادی
گرجستان،
مجبور بودند
از منابع بیرونی و
در درجه اول
از منابع فارسی
استفاده کنند
زیرا مؤلفان
این منابع
شاهدان عینی
حوادث زمان
خود بودند

مؤلفان و تاریخ‌نگاران گرجی در قرن دهم میلادی، برای روشن‌سازی تاریخ گرجستان، مجبور شدند از منابع فارسی استفاده کنند. این منابع شامل آثار مورخان و محققان ایرانی و فارسی‌زبانان در گرجستان بودند. این امر به دلیل نبودن منابع داخلی کافی در آن زمان بود.

در این بخش، به بررسی منابع فارسی موجود در آرشیو تفلیس می‌پردازیم. این منابع شامل دست‌نویس‌ها، چاپ‌ها و اسناد تاریخی است که به مورخان گرجی در قرن دهم میلادی کمک کرد. این منابع به‌ویژه در زمینه تاریخ، جغرافیا و فرهنگ گرجستان بسیار ارزشمند است.

حضرت محمد(ص) و نسب پیامبر صحبت می‌شود. در بعضی از منابع، از دولت‌های قبل از اسلام و دولت‌های اسلامی و در تعدادی دیگر، بعد از مقدمه نسب صفویان نقل شده است. بخش اصلی مربوط به آن پادشاهی می‌باشد که در زمان سلطنت او کتاب نوشته شده است. این بخش کتاب جالب و ویژه است چون خود مؤلف شاهد و شرکت‌کننده در این حوادث می‌باشد. بخش‌های دیگر اکثراً با استفاده کامل از تألیفات دیگران نوشته شده است. معمولاً مورخان دوره صفوی به منابعی که از آن استفاده کرده‌اند، با انتقاد نگاه نمی‌کنند و بعضی اوقات متن را کپی کرده و به اسم مؤلف اشاره نمی‌کنند.^۶

مورخان آن زمان، معمولاً از طبقه ملاک بودند و به این دلیل در کتابهای خود، درباره منافع این طبقه و ایدئولوژی دولت صفوی - (شیعه دوازده امامی) صحبت می‌کنند.

مورخان صفوی حوادث را فقط از دیدگاه خودشان توصیف می‌کنند و به بعضی از حوادث مبهم روشناسی می‌بخشند و در بعضی از آنها مبالغه می‌کنند. با توجه به گفته‌های بالا معلوم می‌شود که منابع کتبی به برخورد خیلی محتاطانه و تحلیلی انتقادی نیازمندند.

در ردیف اول منابع کتبی فارسی قرن دهم ه. ق / شانزدهم م. که اطلاعاتی مربوط به ایران و گرجستان در آنها

صحبت کنیم.

هنگام استفاده از منابع به یک نکته دیگر هم باید توجه کرد: بعضی اوقات کمبود منابع دارای اطلاعات همگون و یا کمبود اطلاعات در خود منابع، به ما اجازه نمی‌دهد که به نتیجه قطعی برسیم. در این صورت امکان دارد که در مورد مسائل مورد بحث فرضیه را ارائه نماییم؛ فرضیه تاریخی به منظور رفع موقت مسائل طرح می‌شود که در طی پژوهش ممکن است از بین برود یا تأیید و تبدیل به واقعیت شود.^۷

موقع بررسی منابع فارسی زمان صفویان، غیر از روش‌های مشروحه بالا، حتماً باید مشخصاتی که همه آن منابع به صورت مشترک دارند، در نظر گرفته شود. از جمله، مؤلفان دوره صفویه در نوشته‌های خود، غالباً به یک شیوه نگارش عمل می‌کردند. این شیوه مشترک را هم در موضوع و هم در ساختار داخلی منابع مشاهده می‌کنیم. بنابراین، اثر هر مؤلف از لحاظ سبک تقلیدی از سبک مؤلف قبلی می‌باشد. ولی باید ذکر شود که وجود تغییرات جزئی در چنین آثاری در چهارچوب سبک نگارش مذکور می‌گنجد. عموماً منابع تاریخی دوره صفویان [مانند منابع شرقی آن زمان] از اجزا ذیل: مقدمه و بخش اصلی که به بابهای مختلف تقسیم شده و نتیجه، تشکیل شده است. در مقدمه درباره مؤلف، دلیل و هدف از نوشتن کتاب، علاوه بر این، درباره زندگی

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

آمده است از نظر ترتیب تاریخی، کتاب خواندمیر، حبیب السیر (۸۸۱ ق. / ۱۴۷۵ م. ۹۴۲ - ۹۴۳ ه. ق / ۱۵۳۹ - ۱۵۳۸ م) می‌باشد. این کتاب به شیوه تاریخ جهان نوشته شده و از چهار کتاب تشکیل می‌شود. نقل حوادث تا سال ۱۵۳۴/۹۳۰ ادامه دارد.^۸ با وجود اینکه این کتاب مملو از اطلاعات است و ویژگی آن تعدد حوادث حقیقی و دقیق در آن می‌باشد. حبیب السیر را از لحاظ تاریخ این سوی قفقاز و گرجستان در شمار منابع اولیه می‌توان حساب آورد. از جمله در این کتاب، درباره اولین حمله قزلباشها به گرجستان در سال ۱۵۰۰/۹۰۵ و نیز، در مورد دوره حملات سالهای ۹۲۷ - ۹۲۲ ه. ق / ۱۵۲۱ - ۱۵۱۶ م. قزلباشها به سرداری دیو سلطان روملو به گرجستان، مطالبی نوشته شده است. اطلاعات خواندمیر در مورد این حملات و قبول کردن پرداخت خراج در سال ۹۳۰ - ۹۲۴ ه. ق / ۱۵۲۴ - ۱۵۱۸ م. به شاه ایران از طرف پادشاهان گرجی، مورد توجه ما می‌باشد.

اطلاعاتی درباره گرجستان در کتاب مؤلف گمنام دوره شاه اسماعیل اول آمده است. در کتابشناسی علمی این کتاب، دو اسم ذکر شده است. **عالم آرای صفوی** و **عالم آرای شاه اسماعیل**.^۹

مقایسه این دو کتاب نشان می‌دهد آنها شبیه هم هستند. فرق بین آنها در این است که بعضی از قسمتها یک معنی با کلماتی مترادف نوشته شده است، یا تعداد قزلباشها مختلف می‌باشد، یا مکان‌های جغرافیایی به صورت مختلف خوانده شده است. این تفاوت مهم نیست و می‌توان به بی‌توجهی کاتب نسبت داد.

کتاب **عالم آرای شاه اسماعیل** فوق‌الذکر در تاریخ‌شناسی گرجی خوب شناخته نشده است.^{۱۰} این کتاب با اطلاعات ارزشمند، بسیار قابل توجه است. همانطور که از اسم کتاب مشخص می‌شود، متعلق به دوره شاه اسماعیل اول، یعنی ربع اول قرن دهم / شانزدهم است. با وجود اینکه نسخه‌های زیادی در آرشیوها و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود، هنوز تاریخ دقیق تألیف این کتاب مشخص نیست.^{۱۱} به نظر محققان ایرانی این کتاب در سال ۱۰۸۶ ه. ق / ۷۶ - ۱۶۷۵ م. نوشته شده است. در این کتاب در خود متن این تاریخ ذکر شده است.^{۱۲} به نظر محققان، این کتاب توسط شخصی در زمان سلطنت شاه اسماعیل اول باید نوشته شده باشد، ولی تاریخی که در متن نوشته شده، ممکن است بعد از تصحیح اضافه شده باشد.^{۱۳} مؤلف ابتدا نسبت خاندان صفویه و سپس اجداد شاه اسماعیل اول را معرفی می‌کند، بعد درباره پادشاهی زمان شاه اسماعیل اول دقیقتر می‌نویسد.

در مورد گرجستان، درباره حملات دیو سلطان روملو به گرجستان مطالبی آورده است. این اطلاعات با اطلاعات منابع دیگر در این مورد، فرق دارد. اهمیت این منبع در آن است که درباره حمله شاه اسماعیل اول به پایتخت کاختی (Kakheti) آن زمان زاگمی (Zagemi) و ویران کردن این شهر، مطالبی نوشته شده است. مشابه این اطلاعات را در منابع فارسی دیگر نمی‌توان یافت.

درباره پادشاهی شاه اسماعیل اول یک اثر تاریخی از

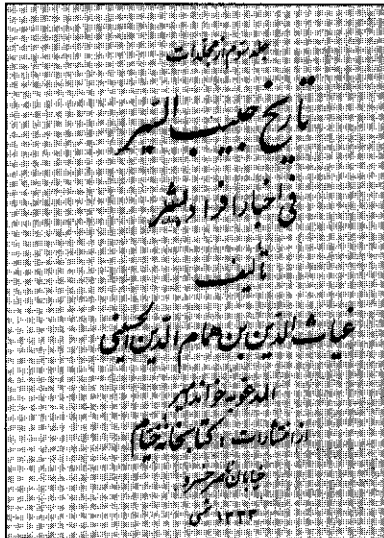
مؤلفی ناشناس هم وجود دارد که نسخه خطی آن در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود.^{۱۴} در کتابشناسی علمی به نام تاریخ شاه اسماعیل اول^{۱۵} معروف شده است.

کتاب با بررسی زندگی اجداد شاه اسماعیل اول شروع می‌شود، بعد سلطنت شاه اسماعیل اول - با رعایت کروئولوژی - تعریف شده است (تا سال ۱۵۲۴/۹۳۰) و با بر تخت نشستن شاه طهماسب اول تمام می‌شود. بیشتر قسمت‌های این کتاب از نظر متن، کلمه به کلمه شبیه کتاب حبیب السیر است. از جمله قسمت چهارم جلد سوم حتی ریو [Ch. Rio] و راس [D. Ross] در اواخر قرن سیزدهم / نوزدهم به این شباهت اشاره کرده‌اند. این دو گرچه می‌پذیرفتند که

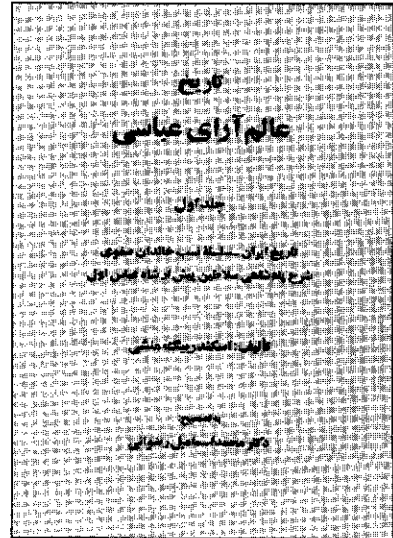
در این کتاب از اثر خواندمیر استفاده شده است اما ترجیح دادند آن را به صورت کتابی مستقل از مؤلفی ناشناس معرفی کنند. به نظر محققان، مؤلف از منابع دیگری غیر از حبیب السیر نیز استفاده کرده است. چون بعضی از اطلاعاتی که به آنها اشاره می‌کند در کتاب خواندمیر ذکر نشده است.^{۱۶} اثر یاد شده از مورخی ناشناس نسبت به کتاب خواندمیر پر از اتفاقات واقعی می‌باشد. از جمله اطلاعات کمیابی درباره تصرف باکو، ورود شاه اسماعیل به تبریز و بر تخت نشستن او، روابط بین شیعیان و سنیان، روابط ایران و عثمانی و غیره. معلوم میشود که مؤلف در این اتفاقات خودش نیز حضور داشته و شاهد جریانات بوده است.^{۱۷} در مورد یکسان بودن تاریخ مذکور از مؤلفی ناشناس و عالم آرای شاه اسماعیل اول، در کتابشناسی علمی نظرات مختلف وجود دارد. بعضی اوقات این دو کتاب را با یکدیگر اشتباه می‌کنند. مثلاً به نظر اکائف (R. Ekaev) تاریخ شاه اسماعیل از مورخ ناشناس موجود در کتابخانه بریتانیا چندان تفاوتی با کتاب عالم آرای شاه اسماعیل که در بالا ذکر شده ندارد و او می‌گوید که این دو تاریخ یکسان هستند.^{۱۸}

ولی به نظر باکه - گرامون و عدل، تاریخ موجود در کتابخانه بریتانیا و عالم آرای شاه اسماعیل دو تاریخ مستقل می‌باشند.^{۱۹} مقایسه این دو تاریخ در مورد یک اتفاق از قسمتهای مربوط به روابط ایران و گرجستان نشان داد که کتاب موجود در کتابخانه بریتانیا یک تاریخ مستقل می‌باشد و نه یکی از نسخه‌های خطی عالم آرای شاه اسماعیل.

کتاب حسن روملو ۹۸۴ - ۹۳۷ ه. ق / ۱۵۷۸ - ۱۵۳۱ م. به نام احسن التواریخ برای بررسی و مطالعه روابط ایران و گرجستان اهمیت زیادی دارد. این کتاب در تاریخ‌شناسی گرجستان بسیار معروف می‌باشد.^{۲۰} این تاریخ به شیوه تاریخ عمومی جهان نوشته شده و به قول مؤلف از دوازده جلد تشکیل شده، ولی به دست ما فقط دو جلد رسیده است. اخباری در مورد روابط ایران و گرجستان در قرن دهم / شانزدهم در جلد دوازدهم آمده است که از بر تخت نشستن شاه اسماعیل اول تا بر تخت نشستن محمد خدابنده (۹۸۴ / ۱۵۷۸ - ۹۹۶ / ۱۵۸۷) را دربر می‌گیرد. این منبع دارای اطلاعات قابل توجهی در مورد لشکرکشی‌های دیو سلطان



درباره پادشاهی شاه اسماعیل اول، یک اثر تاریخی از مؤلفی ناشناس هم وجود دارد که نسخه خطی آن موزه انگلستان نگهداری می‌شود و «تاریخ شاه اسماعیل اول» نام دارد. بیشتر قسمت‌های این کتاب از نظر متن، شبیه حبیب السیر است، اما برخی اطلاعاتی که به آنها اشاره می‌کند در کتاب خواندمیر (حبیب السیر) نیست



مقایسه نسخه خطی موسوم به تاریخ شاه اسماعیل اول از مؤلف ناشناس در کتابخانه بریتانیا با کتاب عالم آرای شاه اسماعیل در مورد یک واقعه تاریخی از قسمت‌های مربوط به روابط ایران و گرجستان نشان داد که آن دو یکی نیستند. یعنی کتاب موجود در کتابخانه بریتانیا یک اثر تاریخی مستقل است نه یکی از نسخه‌های خطی عالم آرای شاه اسماعیل

روملو به گرجستان می‌باشد. نسبت به منابع دیگر فارسی - همچنین گرجی - که در آن‌ها اتفاقات و تاریخ‌ها درهم آمیخته شده است، کتاب حسن روملو استثناء می‌باشد. با کمک این کتاب می‌توانیم اطلاعات مفیدی درباره لشکرکشی‌ها و اتفاقات مربوط به آن را دریابیم. از اطلاعات مهمی که قابل ذکر می‌باشد، توصیف دقیق حملات شاه طهماسب اول است. این اخبار با تاریخ دقیق ذکر شده است. مؤلف خودش در لشکرکشی به گرجستان حضور داشته است. بدین دلیل گزارش این منبع ارزش زیادی دارد. از اتفاقات قابل توجهی که حسن روملو تعریف می‌کند رفتن شاهزاده کاختی به سه (عیسی Iese) به ایران و مسلمان شدن او در سال ۹۶۷ م. ۹۶۶ - ۹۶۵ ه. ق / ۱۵۶۰ - ۱۵۵۹ م. رفتن برادران سیمون و داوید [Simon, David] به قزوین و مسلمان شدن او (داوید) در سال ۹۶۹ / ۶۲ - ۱۵۶۱، حاکم تفلیس شدن او، مبارزه سیمون پادشاه کارتلی با ایرانیان و اسیر شدن او در جنگ نزد پارتسیخیسی [Partskhisi] در سال ۹۷۶ / ۶۸ - ۱۵۶۹، درگذشت پادشاه کاختی، لوان [Levan] در سال ۹۸۲ / ۱۵۷۴ - ۷۵ و بر تخت نشستن الکساندر [Alexandr] که به قول مؤلف تسلیم شدن خود را اعلام کرد، می‌باشد.

برای تحلیل روابط ایران و گرجستان در قرن شانزدهم از منابع فارسی قابل توجه دیگر، کتاب مؤلف کرد، شرف خان بدلیسی است^{۳۳} کتاب وی به نام شرف‌نامه از دو جلد تشکیل شده است. جلد اول درباره تاریخ خاندانهای کرد نوشته شده است. در جلد دوم با رعایت ترتیب تاریخی، شامل تاریخ ایران، عثمانی و آسیای مرکزی از سال ۶۸۹ ه. ق / ۱۲۹۰ تا ۱۰۰۴ ه. ق / ۱۵۹۶ م. است. در گزارشهایی که مؤلف درباره اوایل قرن دهم / شانزدهم و قبل از این قرن می‌دهد، از تألیفات دیگران استفاده کرده است، ولی خبرهای نیمه دوم قرن دهم / شانزدهم، یعنی زمان حیات مؤلف که خود شاهد اتفاقات آن زمان بود، قابل توجه است. اطلاعات او درباره حملات دیو سلطان روملو، حملات شاه طهماسب به گرجستان و مسلمان شدن یه سه، می‌باشد. غیر از این، اطلاعات او درباره گرجیانی که در ایران فعالیت می‌کردند، جالب می‌باشد. از جمله، شرف‌خان بدلیسی گزارشی دقیق درباره درگیری بین طرفداران شاهزاده حیدر میرزا که از طرف مادر گرجی بود و اسماعیل میرزا عرضه می‌کند. شرف‌نامه نفوذ گرجیان و چرکس‌ها را در دربار شاه ایران به خوبی نشان می‌دهد. این کتاب درباره مبارزه ۹۶۸ - ۹۸۴ ه. ق / ۱۵۹۰ - ۱۵۷۸ م. مردم گرجستان برای کسب استقلال به رهبری پادشاه سیمون اول، نیز صحبت کرده است.

در مورد روابط ایران و گرجستان، منبع قابل توجهی در دست است که تذکره شاه طهماسب^{۳۴} نام دارد و در سالهای ۶۰ قرن دهم / شانزدهم نوشته شده است. در این کتاب به ضمیمه روابط ایران و عثمانی چند مورد از تاریخ کشورهای این سوی قفقاز آمده است. تذکره شاه طهماسب منبع مهمی

برای لشکرکشی شاه طهماسب به گرجستان می‌باشد و درست است که این منبع اطلاعات زیادی درباره این حملات ندارد ولی بازم برای مشخص کردن بعضی از اتفاقات اطلاعات خوبی می‌دهد.

از منابع فارسی قابل ذکر دیگر، کتاب بوداق قزوینی با عنوان جواهر الاخبار است.^{۳۵} جواهر الاخبار به شیوه تاریخ عمومی جهان نوشته شده است. در این کتاب وقایع از زمان قبل از اسلام تا سلطنت شاه اسماعیل دوم نوشته شده است. این کتاب از چهار قسمت تشکیل می‌شود و مطالب مربوط به صفویان در قسمت آخر آمده است. مؤلف خود شاهد اتفاقات بوده^{۳۶} و به این دلیل بر ارزش این کتاب افزوده است. این اثر بهترین منبع برای درک دوران پادشاهی شاه طهماسب اول است. اطلاعاتی که مؤلف درباره گرجستان آورده شامل: لشکرکشی دیو سلطان روملو به گرجستان و مسلمان شدن یه سه است.

یکی از معروفترین منابع قرن دهم / شانزدهم کتاب قاضی احمد غفاری ۹۷۳ - ۹۲۴ ه. ق / ۱۵۶۷ - ۱۵۱۵ م. به نام تاریخ جهان آرا است. این کتاب به شیوه تاریخ عمومی جهان نوشته شده و در آن نکته‌های مهمی از خاندان‌های قبل از اسلام و بعد از اسلام آمده است. نیز درباره سلطنت شاه طهماسب اول اطلاعات بسیاری در آن وجود دارد و شرح اتفاقات تا سال ۹۷۱ / ۶۵ - ۱۵۶۴ می‌رسد. در این منبع مؤلف به ارزیابی حوادث نیز پرداخته و نشان می‌دهد کدام اتفاق از نظر اهمیت در درجه اول و کدام در درجات بعدی قرار دارد و مهمترین اتفاقات سیاسی در دولت صفوی کدام است.

تاریخ جهان آرا از مقدمه و سه فصل که هر کدام به باب‌های کوچک تقسیم شده و از عنوانی جداگانه برخوردارند، تشکیل می‌شود.^{۳۷} مطالب مربوط به روابط ایران و گرجستان در قرن دهم / شانزدهم در قسمت سوم آمده و این فصل تحت عنوان «صفویان» است. اطلاعات قابل توجه کتاب عبارت است از: حمله قزلباشها به گرجستان در سال ۹۲۷ / ۱۵۲۱، حملات شاه طهماسب اول به گرجستان با اشاره تاریخ دقیق مسلمان شدن شاهزاده کاختی به سه، اعطای حاکمیت تفلیس به داوید (داوود) و غیره.

کتاب مهم دیگر نفاوه الآثار فی ذکر الاخبار اثر محمود بن هدایت الله افوشته‌ای نطنزی است. در این منبع از اتفاقات آخرین سالهای شاه طهماسب اول تا سال یازدهم سلطنت شاه عباس اول سخن به میان می‌آید.^{۳۸} در این کتاب، افوشته‌ای نطنزی غیر از گزارش اتفاقات، سعی می‌کند دلایل و نظر خود را درباره این اتفاقات بیان کند. به این گزارشها، اطلاعات جالب دیگر هم اضافه می‌شود همچون خبرهایی در مورد زلزله، سیل، شخصیت‌های تاریخی، شرح حال مؤلفه شهرهای ایران و مانند آن. در مورد گرجستان از جنگ ایران و عثمانی، حکایت می‌کند. ۹۹۹ - ۹۸۴ ه. ق / ۱۵۹۰ - ۱۵۷۸ م. این اطلاعات شامل نکات قابل توجهی است مانند آزاد کردن پادشاه سیمون اول و شاهزاده یه سه از زندان از طرف شاه اسماعیل دوم، برگشت پادشاه سیمون به کارتلی و مبارزه وی بر ضد عثمانیان، روابط کارتلی و کاختی با دولت ایران. باید در نظر داشت که نطنزی خودش در زمان اتفاقات حضور داشته و در بعضی از آنها شخصاً شرکت کرده

است. از این لحاظ این منبع یکی از بهترین منابع برای بررسی روابط ایران و گرجستان به شمار می‌رود.

به هنگام بررسی منابع قرن دهم/ شانزدهم، لازم است از اسکندر بیگ منشی ۱۰۲۴-۹۶۷ ه. ق/ ۱۶۳۴-۱۵۶۰ م. مؤلف کتاب عالم آرای عباسی نیز نام ببریم.^{۲۷} با وجود آنکه، اسکندر بیگ منشی مورخ قرن یازدهم/ هفدهم است، کتاب وی برای مطالعه تاریخ کشورهای این سوی قفقاز اهمیت زیادی دارد. بدون استفاده از این کتاب، تحقیق درباره روابط ایران و گرجستان دوره صفوی ناقص خواهد بود. درباره این کتاب **گاباشویلی [V. Gabashvili]** اشاره می‌کند که: «برای بررسی تاریخ گرجستان در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم، به دلیل وجود اطلاعات زیاد، کتاب اسکندربیک منشی تکرارنشده و بی نظیر است.»^{۲۸}

تاریخ عالم آرای عباسی را محققان زیادی از زاویه‌های مختلف بررسی کرده‌اند.^{۲۹} چون هدف ما بررسی روابط ایران و گرجستان است، تنها به اطلاعاتی که در مورد این روابط آمده است، اشاره می‌کنیم که از آن جمله‌اند: لشکرکشی شاه طهماسب اول به گرجستان، مبارزه مردم گرجستان به رهبری سیمون اول، حمله قزلباشها و اسیر کردن وی و بعد آزاد کردن او و مبارزه سیمون بر ضد عثمانیان بعد از برگشت به وطن. اسکندر بیگ منشی در اطلاعات خود، به مورخان قبلی و مخصوصاً حسن روملو تکیه می‌کند ولی درباره اطلاعات بعدی مربوط به گرجستان، چون خود شاهد و شرکت‌کننده در این اتفاقات بوده، گزارش‌های دست اول ارائه می‌کند. این گزارشها بیشتر مربوط به سلطنت شاه عباس اول است.

علاوه بر مؤلفانی که در بالا ذکر شد، در قرن دهم/ شانزدهم از مورخان دیگری هم آثاری در دست است که از آن جمله‌اند: **یحیی قزوینی** مؤلف کتاب **لب التواریخ**^{۳۰} که در این منبع تاریخی ذکر وقایع از زمان زندگی پینمیر اسلام (ص) شروع و تا اولین سالهای سلطنت شاه طهماسب اول ۱۵۴۲/۹۳۰ ادامه می‌یابد.^{۳۱}

لازم به ذکر است **خورشاه ابن قباد الحسینی** نیز در کتابش **تاریخ ایلچی نظام شاه** وقایع را تا سال ۹۷۰-۶۳-۱۵۶۲ گزارش کرده است.^{۳۲} **زین العابدین نویدی** مؤلف کتاب **تکمله الاخبار** متعلق به دوره سلطنت اولین پادشاهان صفویه [شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول] تا سال ۹۷۷/۳۳۱۵۷۰ است. کتاب **قاضی احمد قمی** با نام خلاصه **التواریخ**^{۳۳} که مؤلف آن را بنا به فرمان شاه اسماعیل دوم نوشته، آن را به سال ۱۵۹۹/۹۹۹-۱۵۹۱ پایان داده است.

در منابعی که در بالا بدانها اشاره شد، اطلاعات مربوط به تاریخ گرجستان اندک است و فقط در بعضی قسمتها به حملات قزلباشها به گرجستان اشاره شده است. ولی با این وجود، آشنایی با این کتابها اهمیت دارد. برای درک روابط سیاسی ایران در آخرین ربع قرن دهم/ شانزدهم، اهمیت زیادی به کتاب محقق ایرانی، دکتر **عبدالحسین نوانی** داده می‌شود. در این کتاب مکاتبات شاه محمد خدابنده و شاه‌عباس اول با حکام ولایات ایرانی و سلطان‌های عثمانی آمده که از آن جمله، مخصوصاً نامه‌های بین سلاطین ایران و عثمانی در آن جا که نام گرجستان و پادشاهان گرجی ذکر

شده دارای اهمیت است.^{۳۴}

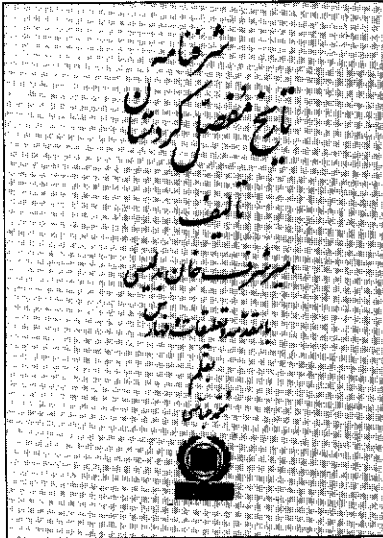
در بررسی روابط ایران و گرجستان گرچه تأکید اصلی بر متون تاریخی و منابع ایران است. ولی طبیعی است که فقط با تکیه بر آنها بررسی روابط ایران و گرجستان را نمی‌توان انجام داد. زیرا اطلاعات اصلی به دست آمده از طریق منابع فارسی، را باید به کمک منابع به زبانهای دیگر تکمیل کرد که از جمله می‌توان به منابع گرجی اشاره داشت.

تاریخ گرجستان به دلیل شرایط آن زمان دچار وقفه شده و از اواخر قرن یازدهم/ هفدهم تاریخ‌نویسی گرجستان مربوط به دوره صفویه شروع شد. در این هنگام اسناد جمع‌آوری، بررسی و تأیید و براساس آن اسناد اطلاعات کتب تاریخی نوشته شد.

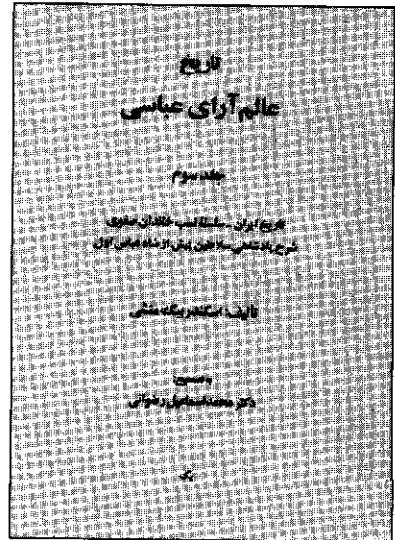
از کتابهای مربوط به تاریخ گرجستان کتاب تاریخ، تا **ایف پارسادان گورگیجانیدزه Parsadan Gorgojanidze** قابل توجه می‌باشد. در این اثر، اتفاقات تاریخی از پذیرفتن دین مسیح در کارتلی تا سال ۸۱۰۵/۳۶۱۶۹۴ ذکر شده است. پارسادان گورگیجانیدزه در سال ۱۰۶۶/۱۶۵۶ از طرف والی گرجستان، رستم ۱۰۶۶-۱۰۴۱ ه. ق/ ۱۶۵۸-۱۶۳۲ م. به اصفهان فرستاده شد. در واقع گورگیجانیدزه نایب رستم و از سال ۱۰۲۴/۱۶۱۸ داروغه شهر اصفهان بوده است. جریان از این قرار بوده که رستم تا زمان مرگش داروغه شهر اصفهان محسوب می‌شد، ولی بعد از سال ۱۰۴۱/۱۶۳۲ که رستم بر تخت حکومت کارتلی نشست، نایب‌های خود را در اصفهان، خودش تعیین می‌کرد و این خود یک امتیاز برای گرجیان محسوب می‌شد.^{۳۵} مورخ دربار شاه عباس دوم ۱۰۸۲-۱۰۵۲ ه. ق/ ۱۶۶۶-۱۶۴۲ م. محمد ظاهر وحید، اطلاعات جالبی درباره فعالیت پارسادان گورگیجانیدزه، می‌دهد و به قول وی، اشخاصی که توسط شاه مقام می‌گرفتند ابتدا بایستی مسلمان می‌شدند و سپس به تأیید مقام پادشاهی رسیدند.

بعد از قبول کردن این شرایط، پارسادان شروع به فعالیت خود کرد. ولی بعد از چند مدت، با شکایت یک گروه قزلباشها فرمانی صادر شد و پارسادان از مقام‌های خود برکنار شد. قابل توجه اینکه محمدظاهر وحید دشمنان پارسادان را سرزنش و بی‌گناهی او را تأیید می‌کند. به قول او وقتی که شاه عباس دوم از بی‌گناهی داروغه گرجی مطمئن شد، با دشمنان وی با خشونت بسیار رفتار کرد.^{۳۶}

پارسادان گورگیجانیدزه که منصوبی رده بالا داشته از وضعیت سیاسی ایران باخبر بود. او به اغلب فرمانها و اسناد دسترسی داشت و بنابراین کتاب او برای تاریخ روابط ایران و گرجستان در قرون ۱۰-۱۱ ه. ق/ ۱۶-۱۷ م. اهمیت زیادی دارد. در اینجا باید ذکر شود که وی در نیمه دوم قرن یازدهم/ هفدهم شاهد عینی وقایع بوده و در زمانی که مورد نظر ماست یعنی قرن دهم/ شانزدهم با تکیه بر منابع فارسی این گزارشها را ثبت نموده است. در مورد این مسایل در کتابشناسی علمی نظرات مشترکی وجود دارد. به



برای تحلیل روابط ایران و گرجستان در قرن شانزدهم، از منابع فارسی قابل توجه دیگر، کتاب «شرف نامه» اثر شرف خان بدلیسی، مؤلف کُرد است. اطلاعات او درباره حملات دیو سلطان روملو به گرجستان، حملات شاه طهماسب به گرجستان، مسلمان شدن یه سه، فعالیت گرجیان در ایران، نفوذ گرجیان و چرکسها در دربار ایران و مبارزه مردم گرجستان برای کسب استقلال به رهبری پادشاه سیمون اول مهم است



**افوخته‌ای نطنزی
خود در زمان اتفاقات
حضور داشته
و در بعضی از آنها
شخصاً
شرکت کرده است.
از این لحاظ
این منبع
یکی از بهترین منابع
برای بررسی
روابط ایران و
گرجستان
به شمار
می‌رود**

نظر اکادمیسین جاواخیشویلی و کاکابادزه [Kakabadze]، منبع اطلاعات قرن ۱۶/۱۰ برای پارسادان گرگیچانیدزه، کتاب اسکندربیک منشی (تاریخ عالم‌آرای عباسی) بوده است.^{۳۳} دانشمندان دیگر مثل پوتوریدزه [Puturidze] گاباشویلی [Gabashvili] و کاتسیتادزه [Katsitadze] با این نظر موافق‌اند و از تحقیقات آنها مشخص می‌شود که پارسادان گرگیچانیدزه برای قرن دهم/ شانزدهم از تاریخ عالم‌آرای عباسی، برای سالهای دهه ۳۰ قرن یازدهم/ هفدهم از ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی و برای اواسط قرن یازدهم/ هفدهم از کتاب مورخ دربار شاه عباس دوم محمدمطاهر وحید استفاده

کرده است.^{۳۴}

تقریباً در همین زمان وقتی که پارسادان گرگیچانیدزه کتاب خود را می‌نوشت، پادشاه واختانگ ششم [Vakhtang VI] ۱۱۲۵ - ۱۱۱۴ ه. ق/ ۱۷۲۴ - ۱۷۰۳ م. «هیئت» (اشخاص دانشمند) را تأسیس کرد و فرمان داد که نسخه‌های حیات گرجستان تکمیل، اصلاح و ادامه آن تا قرن یازدهم/ هفدهم نوشته شود، (اشخاص دانشمند) امکان بیشتری نسبت به پارسادان گرگیچانیدزه داشتند که کار خود را گسترش دهند. همین طور که ذکر شد، پارسادان در ایران زندگی می‌کرد و دسترسی به منابع گرجی نداشت و مجبور بود از اطلاعات مربوط به گرجستان در منابع فارسی استفاده کند. «هیئت» (اشخاص دانشمند) از طرف پادشاه حمایت می‌شدند و به همه منابع، دسترسی داشتند.^{۳۵} این هیئت اسناد زیادی چه گرجی، و چه خارجی را جمع‌آوری کرد. طبق این اسناد هیئت مذکور، تاریخ گرجستان از قرن دهم/ شانزدهم تا قرن دوازدهم/ هفدهم را به رشته تحریر درآوردند. باید اشاره کنیم که این کتاب بدون اشتباه نیست. طبق نظری که در تاریخ‌شناسی گرجی وجود دارد، مورخین وقتی درباره تاریخ گرجستان قرن دهم/ شانزدهم می‌نوشتند، از کتاب اسکندر بیک‌منشی استفاده کردند.

مورخ وجغرافیدان معروف گرجی واخوشتی باتونیشویلی [Vakhushti Batonishvili] پسر پادشاه واختانگ ۱۲۱۰ - ۱۱۶۲ ه. ق/ ۱۷۹۶ - ۱۷۵۷ م. تاریخ‌شناسی گرجی را به سطحی بالاتر برد و تاریخ گرجستان را از زمان قدیم تا اواسط سالهای قرن ۱۲ ه. ق. ۱۸م. نوشت.^{۳۶} با وجود اینکه واخوشتی از هیئت (اشخاص دانشمند) انتقاد می‌کرد، در اثر خود، در مواردی بر اطلاعات آنها تکیه می‌کرد. علاوه بر این در کتاب او، گاریگیسی تسیگنی [Garigebis tsigni] (دستورالعمل) و فرمان‌های پادشاهی واختانگ ششم مورد استفاده قرار گرفته بود.^{۳۷}

برای مطالعه تاریخ گرجستان در قرن ۱۰ ه. ق. ۱۶ م. ادامه حیات کارتلی اهمیت زیادی دارد. این کتاب به نام متن سوم حیات جدید کارتلی معروف شده است.^{۳۸} در تسخووربا ساکار تولویسا (زندگی‌نامه گرجستان) نیز گزارشها و نظرانی در مورد تاریخ گرجستان در تاریخ‌شناسی وجود دارد که مؤلف

فقط از منابع کتبی گرجی استفاده کرده است. ۴۵ ولی در مورد ادامه دوم کارتلیس تسخووربا (یعنی متن سوم حیات جدید کارتلی) مؤلف فقط از «هیئت» (اشخاص دانشمند) و بعضی جاها از متون پارسادان گرگیچانیدزه استفاده کرده است.^{۳۹}

از کتابهایی که وقایع گرجستان قرن دهم ه. ق. شانزدهم م. را نشان می‌دهد و با شیوه خاطرات نوشته شده، در ردیف اول باید از کتاب اسناد با شرح وقایع تاریخ که توسط ژوانیا [Jvania] جمع‌آوری و به چاپ رسیده نام ببریم.^{۴۰} علاوه بر این کتاب «وقایع‌نامه‌های کوچک» یا «یادداشتهای تاریخی کینکلوسنبری [istoriulIMinatserebi] (Kinklosnebis) مهم است.^{۴۱}

برای مطالعه مسائل تاریخی منطقه سامتسخه - ساتاباگو، کتاب وقایع‌نامه مسختی (Meskhur) davitnis Chronica اهمیت زیادی دارد. کتاب در شرایطی نوشته شده که نویسنده، خود شاهد اتفاقات آن زمان بوده است لذا از ارزش علمی زیادی برخوردار است.

برای مطالعه روابط ایران و گرجستان، تاریخ‌نویسی^{۴۲} و اسناد عثمانی نیز اهمیت زیادی دارد.^{۴۳} در کتابهای آنها در ضمن شرح روابط عثمانی - گرجستان و ایران - عثمانی اطلاعات قابل توجهی از تاریخ روابط ایران - گرجستان به دست داده شده است.

از منابع مهم تاریخ عثمانی «دفتر بزرگ ولایت گرجستان» می‌باشد که توسط مأموران عثمانی برای وضع مالیات از سامتسخه - ساتاباگو در سال ۱۰۰۳/ ۱۵۹۵ نوشته شده است. این دفتر برای بررسی وضعیت سیاسی و اقتصادی در منطقه سامتسخه - ساتاباگو در اواخر قرن دهم/ شانزدهم، یکی از بهترین منابع دست اول می‌باشد.^{۴۴} برای مطالعه روابط دولت عثمانی با کشورهای تصرف شده (در مورد گرجستان)، کتاب قانون‌نامه‌های ایالت‌های امپراطوری عثمانی نیز قابل توجه است.^{۴۵}

برای روشن کردن روابط عثمانی - گرجستان در نیمه دوم قرن دهم/ شانزدهم تاریخ سلاتیکی از مهمترین منابع می‌باشد که از نظر تاریخ، سالهای ۱۰۰۷ - ۹۷۱ ه. ق. ۱۵۹۹ - ۱۵۶۴ م. دربر می‌گیرد. مؤلف این اثر خود شاهد و شرکت‌کننده در جنگ‌های ایران و عثمانی در سالهای ۹۹۸ - ۹۸۴ ه. ق. ۱۵۹۰ - ۱۵۷۸ م. بوده و این وقایع را در کتاب منعکس نموده است. اطلاعات درباره پادشاهان سیمون و الکساندر، داوود خان (داوید)، اتابک منوچار (Manuchar) منوچهر، و آراز شالیکاشویلی (Shalikashvili) (Varaza) و غیره در این کتاب مورد توجه می‌باشد.^{۴۶}

کتاب ابراهیم پچوی ۱۰۶۶ - ۹۸۱/ ۱۶۵۰ - ۱۵۷۴ با نام نیز دارای اهمیت زیادی است. این کتاب تاریخ سالهای ۱۰۴۹ - ۹۲۶ ه. ق. ۱۶۴۰ - ۱۵۲۰ را دربر می‌گیرد.^{۴۷}

احمد ابن لطف‌الله (۱۰۴۰/ ۱۶۳۱ - ۱۱۱۳/ ۱۷۰۲) مورخی که در نیمه دوم قرن یازدهم/ هفدهم فعالیت و زندگی می‌کرد و به اسم منجم‌باشی معروف شده است، کتاب وی به نام جامع‌النول در اصل بازنویسی مجموعه‌های تاریخی زمان قبل می‌باشد. با وجود این، برای مطالعه بعضی از مسائل تاریخی شرق نزدیک در قرون ۱۱ - ۱۷/ ۱۶ -

اهمیت بسیاری دارد. از اتفاقات قرن دهم/ شانزدهم مربوط به گرجستان، لشکرکشی **الله مصطفی پاشا** به قفقاز، اطلاعاتی درباره جنگها در گرجستان و همچنین روابط سرداران عثمانی با حکمرانان محلی در آن ذکر شده است.^{۲۴} همانطوری که می‌دانیم، از شروع قرن دهم/ شانزدهم حکمرانان روسیه سعی کامل داشتند تا در قفقاز پایگاهی بوجود آورند. مخصوصاً روسیه در دهه هشتم قرن دهم/ شانزدهم فعال شد. زمانی که پادشاه کاختی با روسیه عهد تابعیت بست، با روابط صمیمی ایران و روسیه مواجه شد که البته در مورد گرجستان اختلاف داشتند. از یک طرف شاه عباس اول از احتمال وارد شدن روسیه در قفقاز نگران بود و از طرف دیگر او به روسیه برای انجام کارهای خود درخصوص استفاده از روسیه در مبارزه علیه عثمانیان نیاز داشت. پس در نتیجه روابط روسیه و گرجستان وابسته به روابط ایران و گرجستان شد. با مواردی که در بالا بدانها اشاره شده، طبیعی است که در منابع روسی اتفاقات مهمی مربوط به آن دوره‌ها که قابل توجه ما نیز هست، آمده است.^{۲۵}

برای بررسی بعضی از روابط ایران و گرجستان، در تاریخ‌نویسی ارمنی قرن یازدهم/ هفدهم اطلاعات زیادی موجود است. تاریخ‌نویسی ارمنی در قرن ۱۸/ ۱۶ وجود نداشت. ولی در قرون ۱۲-۱۱ ه. ق / ۱۸-۱۷ م. چندین کتاب تاریخی نوشته شد، که یکی از بهترین منابع اولیه برای مطالعه بعضی از موارد تاریخ ارمنستان، ایران، عثمانی و گرجستان می‌باشد. از جمله کتاب مورخ معروف ارمنی **اراکل داوربژتس [Arakel Davrijents]** قابل توجه است. کتاب بزرگ او کتاب تاریخها در اصل مربوط به اتفاقات سالهای ۱۰۶۳-۱۰۰۳ ه. ق / ۱۶۶۲-۱۶۰۲ می‌باشد. ولی در این کتاب اتفاقات زمان‌های گذشته هم نشان داده شده و در زمینه جنگ ایران و عثمانی، وضعیت مردم قفقاز و مخصوصاً مبارزه گرجیان بر ضد عثمانیان و قزلباشها، به‌طور گسترده آمده است.^{۲۶}

کتاب مورخ ارمنی قرن یازدهم/ هفدهم **گریگول دارانانگس (Grigol Daranagts)** که خیر جالبی درباره اسیر کردن پادشاه سیمون اول از طرف عثمانیان و اسیری او در استانبول دارد قابل توجه است، مؤلف، پادشاه گرجی را در اسارتگاه دیده بود. پس بنابراین او شاهد عینی این اتفاقات بوده است.^{۲۷}

بررسی و تحلیل روابط ایران و گرجستان در منابع اروپایی نیز اهمیت بخصوصی دارد. آشنایی با آنها به ما اجازه می‌دهد با بعضی از اتفاقات تاریخی دقیق‌تر آشنا شویم و به بعضی از زوایای تاریک اطلاع یابیم. بیشتر این منابع تاریخی به شیوه گزارش، نوشته شده است. مؤلفان آنها مسیونرها، مسافران و نمایندگان هیأت‌های دیپلماسی هستند که به دلایل مختلف به ایران، گرجستان و همچنین به کشورهای دیگر سفر کردند و خاطرات و نظریات خودشان را درباره کشورهای مختلف برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

جاواخیشویلی از اطلاعات مسیونرها و مسافران سیاح یاد کرده و بر ارزش آنها تأکید زیادی می‌کند و می‌نویسد: «برای مسافران خارجی بسیاری از مسائلی که برای اهالی

محلی ممکن است عادی جلوه کند، جالب توجه بوده است.»^{۲۸} پس درحقیقت برای مورخ این اطلاعات خیلی ارزشمند و بعضی اوقات برای روشن شدن مسائل تنها منبع به شمار می‌رود.

علاوه بر این دانشمند گرجی به عیوب این منابع هم اشاره دارد که به هنگام تحقیق باید در نظر گرفت. در این خصوص «بعضی اوقات ناظران توضیحات درستی برای ارزیابی دینی، ملی یا اجتماعی و تمایل خاصی به زندگی ملیت‌های بیگانه نمی‌دهند و بعضی اوقات بررسی آنها دارای اشتباهاتی است.»^{۲۹}

در میان مؤلفان و سیاحان فراوانی که اطلاعات ارزشمندی در مورد روابط ایران و

گرجستان در گزارشهای خود ارائه داده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: **کاتورینو زنو و جواتی ماریا اتجللو** تاجر ونیزی ناشناس. در کتابهای آنها درباره حضور پادشاهان گرجی به هنگام جلوس شاه اسماعیل اول بر تخت سلطنت و روابط آنها با قزلباشها اشاراتی آمده است.^{۳۰} برای روشن کردن بعضی از مسائل مربوط به لشکرکشی شاه اسماعیل اول به گرجستان، اطلاعات تاجر و مسافر فرانسوی ژان شاردن قابل توجه است.^{۳۱} علاوه بر این تاریخ کارملیتها نیز دارای اهمیت زیادی است.^{۳۲}

اطلاعات **آدام اولناریوس (Adam Olarius)**^{۳۳} **دون خوان ایرانی (Don Juan Parsian)** (اروج بیک بن سلطان علی)، **پیترو بیدزارو (Bizarus Petro)** و غیره ارزش زیادی دارد که در آنها وضعیت بین‌المللی روابط ایران و گرجستان خیلی جالب و گسترده نشان داده شده است.

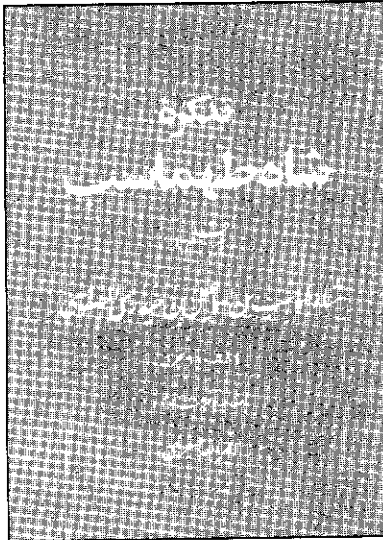
۲- اسناد دوزبانه گرجی - فارسی متعلق به قرون ۱۰-۱۲ ه. ق / ۱۸-۱۶ م. محفوظ در گرجستان

در میان اسناد تاریخی که در آرشیوهای گرجستان نگاهداری می‌شود، اسناد دوزبانه گرجی - فارسی و متعلق به قرون ۱۰-۱۲ / ۱۸-۱۶ از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. اسناد مذکور توسط **پروفسور ولادیمیر پوتوریدزه** در آرشیوهای گرجستان کشف و ۱۹۲ نسخه از آنها در سال ۱۹۵۵ منتشر گردید. تقریباً بعد از سی سال ۲۶ سند مشابه را مرحوم **نوگزار دوندوا (Nugzar Dundua)** منتشر کرد.

اما معلوم شد که تعداد اسناد دوزبانه بیش از آن می‌باشد. **تاماز آباشیدزه (Tamaz Abashidze)** نیز در مجموعه‌های نسخ قدیم در حدود پنجاه سند را پیدا کرد. کشف اسناد دوزبانه گرجی - فارسی، در زمینه مطالعات و ارزیابی جدید بعضی از مسائل و موضوعات تاریخ گرجستان یاری جدی و بسیاری، بخصوص در زمینه‌های زیر کرده است:

۱- تحولات و ویژگیهای روابط سیاسی ایران و گرجستان در قرون ۱۰-۱۲ / ۱۸-۱۶

۲- ساختار، وظایف و ویژگیهای دستگاه نظارت ایرانی در گرجستان



در بررسی منابع قرن دهم ه. ق / شانزدهم میلادی لازم است از «اسکندر بیک منشی»

مؤلف کتاب «عالم آرای عباسی»

نیز نام ببریم.

بدون استفاده

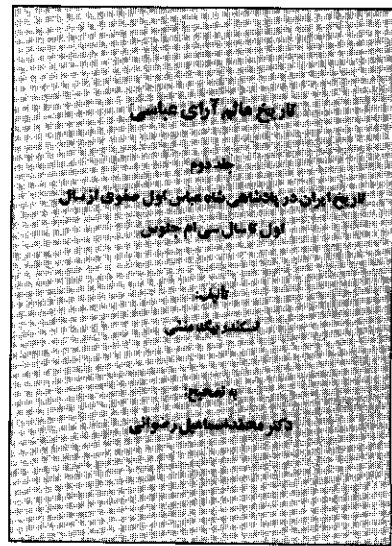
از این کتاب،

تحقیق درباره

ایران و گرجستان

دوره صفوی

ناقص خواهد بود



تاریخ ماه آرای عباسی

دوم

تاریخ ایران در پنجاه سال اول صفوی از سال

اول قاجار تا ام جوشی

نهم

تجدید حکومتی

بیستم

دوره محمدشاه قاجار

۳ - حقوق و وظایف فنودالهای گرجی
 ۴ - مفهوم بعضی از نهادهای ماموران دولتی
 اسناد دوزبانه به عنوان یک واقعه فوق‌العاده و جالب در دیپلماسی مورد بررسی قرار گرفت. که بر اساس آنها مطالب ذیل توجه محققان را جلب نمود:

۱ - دلایل پیدایش و شرایط تاریخی وجود آنها.
 ۲ - ارتباط بین قسمت‌های فارسی و گرجی اسناد.
 ۳ - ظهور و تحول بعضی از روش‌های اداری - [دفتری] و دیپلماتیک.
 ۴ - تغییر شکل سند در نتیجه اوضاع سیاسی.

۵ - انواع اسناد دوزبانه.
 ۶ - تحول بخش فارسی آن اسناد از نظر شکل و اصطلاحات در محیط گرجستان.
 علاوه بر آن، اسناد دوزبانه زمینه خوبی بود در راستای تحقیقات بعضی مسائل ماخذشناسی از قبیل:

۱ - مسئله صحت منابع.
 ۲ - اطلاعات مستقیم و پنهان در اسناد.
 ۳ - خصوصیت مناسب قالبی [الگوی] و جمله‌های توصیفی و ویژگیهای اطلاعات.
 ۴ - مطابقت متن سند با واقعیت و غیره.

اسناد دوزبانه گرجی - فارسی از اواخر قرن دهم / شانزدهم و تا اواسط قرن دوازدهم / هجدهم صادر می‌شد. در طی همان دوره، دچار تغییراتی شدند، از جمله تغییرات شکل و مضمون. ابتدا متن فارسی سنده پشت سند گرجی نوشته می‌شد و ظاهراً آن متن فارسی بعنوان سندی کاملاً مستقل به نظر می‌رسید. شکل و متن آن کاملاً مطابق قالب‌های اداری فارسی بود. در فاصله میان اواخر قرن دهم / شانزدهم تا اوایل دو دهه قرن یازدهم / هجدهم، صدور اسناد دوزبانه قطع شد. بعد از تجدید صدور اسناد دوزبانه ما متوجه جریان تکمیل مضمون و ظهور بعضی اصطلاحات غریبه برای قواعد زبان اداری فارسی می‌شویم. در دهه چهارم قرن یازدهم / هجدهم بخش فارسی اسناد دوزبانه از صفحه مستقل به طرف سند گرجی منتقل و در حاشیه بالای آن قرار گرفت.

تا اواخر قرن هجدهم، شکل اسناد دوزبانه به این صورت بود، اما بعداً در موارد زیادی، بخشهای فارسی و گرجی آنها روی صفحات متفرقه نوشته شد. تعیین قواعد و تنظیم اسناد دوزبانه، قطع یا تجدید صدور آنها، تغییر در شکل و همچنین در مضمون و ویژگیهای اصطلاحات، در مجموع نتیجه و انعکاس تغییرات فرم و خاصیت روابط سیاسی بین ایران و گرجستان بود.

قبل از ظهور اسناد دوزبانه تغییرات زیربنایی در زندگی سیاسی گرجستان روی داد. بخش بزرگی از گرجستان شرقی در دست ایران صفوی بود. در آن شرایط حق اعطای زمین به بزرگ مالکان تا تجدید حق مالکیت بر آن در اختیار

مطلق شاه ایران بود. اما در دهه هشتم قرن دهم / شانزدهم براساس وضعیت سیاسی - بین‌المللی بین ایران و گرجستان، روابط خاصی برقرار شد که آن را می‌توان روابط «سازشگرانه» نامید. اصل آن سازش این بود که شاه ایران ملک گرجی را بعنوان تیولدار تلقی و بنام «والی گرجستان» ذکر می‌کرد و نسبت به قلمرو او فقط اختیارات اسمی (ظاهری) داشت. این نوع رابطه ارضی، گرجستان را از دفتر دیوان عالی ایران حذف می‌کرد. مسلماً اینگونه روابط وابسته باز هم اختیارات استبدادی ملوک گرجی را محدود می‌نمود، اما حق تصمیم‌گیری در امور داخلی در اختیار آنها می‌ماند.

اگر در دوره‌های حکمرمایی ایران [در دهه‌های ششم - هفتم قرن دهم / شانزدهم و دهه‌های اول - دوم قرن یازدهم / هجدهم و دهه‌های دوم - چهارم قرن دوازدهم / هجدهم] بدون مجوز شاه ایران، ملک گرجی حاکم بر اراضی کشورش نبود، در دوران سازش، مسائل اعطای زمین، تصویب و تجدید حقوق مالکیت برای بزرگ مالکان و همچنین حل مسائل مالیاتی جزء حقوق حق ویژه ملوک گرجی بودند. ضمیمه نمودن متن فارسی به اسنادی که مالکین گرجی صادر می‌کردند را از ویژگیهای آن روابط می‌توان برشمرد.

بر طبق روابط سازشگرانه، ملک گرجستان شرقی در تمام مسائل داخلی حکمفرما بود، اما در مقابل موظف بود به طور منظم برای شاه صفوی پیشکش تهیه نماید و در صورت لزوم با سپاه خود، کمک نظامی ارائه نماید.

به منظور نظارت بر اجرای تعهدات فوق، پادشاه صفوی، نزد دربار ملک گرجی نمایندگان از دستگاه نظارتی ایران را منصوب نموده بود که عبارت از وزیر، مستوفی و منشی بود. مسائل مالی، به عهده منشی بود که در دفتر، اسناد صادره توسط ملوک گرجی را ثبت کرده و متن فارسی را به آنها ضمیمه می‌کرد. این امر بیشتر هدف کنترلی داشت، به خاطر اینکه حق تصویب نهایی سند در اختیار ملک گرجی بود. شایان ذکر است که توسط مستوفی اسنادی ثبت می‌شد که مربوط به مسائل مالکیت زمین و مالیات بود.

مراحل تنظیم سند دوزبانه به این صورت بود:

(۱) متن گرجی آماده می‌شد.
 (۲) متن فارسی آن سند تنظیم و در دفتر مستوفی ثبت می‌گردید.

(۳) توسط ملک گرجی متن گرجی سند و به همین ترتیب تمام سند تصویب می‌شد.
 باید اینجا ذکر گردد که با وجود اینکه ثبت سند گرجی توسط مستوفی قاعده حقوقی بشمار می‌رفت گاهی بنون زبان وارد آوردن به افرادی که در سند عنوان گردیدند، رعایت نمی‌شد.

همانطور که عنوان گردید، ظهور اسناد دوزبانه نتیجه سیاست سازش و نمایانگر اختیارات اسمی شاهان ایران نسبت به گرجستان بود. اسناد دوزبانه اغلب مربوط به زمینهای بود که در شرایط دیگر در اختیار دیوان ایران بود و حق مالکیت آن بوسیله فرامین یک زبانه شاه ایران تصویب می‌شد.

در دوره‌های سیاست «سازش» حکومت شاه ایران سعی

می‌کرد که بر اراضی مذکور باز هم نفوذ خود را حفظ کند و این هدف را توسط بخش فارسی سند دوزبانه دنبال می‌نمود. اما باید ذکر کرد که مؤلف هر دو بخش گرجی و فارسی سند دوزبانه از درباریان ملک گرجی بود، یعنی این قبیل اسناد را در واقع می‌توان به عنوان سندی که یک مؤلف به دو زبان می‌نوشت تلقی کرد.

در موقع بررسی و مطالعه اسناد دوزبانه همیشه باید در نظر داشته باشیم که ملک گرجستان برای حکومت ایران، «والی گرجستان»، یعنی مامور عالی‌رتبه دولت ایران به شمار می‌رفت. الحاق متن فارسی به سند گرجی نه فقط به نفع حکومت ایران بود بلکه برای بزرگ مالک گرجی نیز فایده داشت، بخاطر اینکه با در نظر گرفتن وضع ضعیف حکومت گرجی سندی که در دفتر ایرانی به زبان فارسی تنظیم می‌شد حقوق بزرگ مالک گرجی را محکمتر می‌ساخت.

به علت آنکه متن فارسی سند دوزبانه کاملاً مطابق قالب‌های اداری ایرانی بود و فرمولها و اصطلاحات آن در شرایط سیاسی - اجتماعی متفاوتی شکل گرفته بود، ویژگیها و خصوصیات زندگی فتووالی گرجستان آن زمان را منعکس نمی‌کرد.

به منظور رفع آن نواقص یعنی برای هرچه مطابق‌تر ساختن اسناد مذکور نسبت به وقایع گرجی، از دومین دهه قرن یازدهم / هفدهم در بخش فارسی اسناد دوزبانه اصطلاحاتی ظاهر می‌گردد که برای عملکرد دفتر ایرانی غریب بود مانند «تیول موروثی»، «تیول ازلی و ابدی»، «تیولدار ازلی و ابدی».

در بخش فارسی سند به مصونیت قضائی تیولدار اشاره می‌گردد که برای سیستم تیولداری ایرانی آشنا نبود. از دهه دوم قرن یازدهم / هفدهم در بخش فارسی اسناد دوزبانه اشارات جالبی پیدا می‌شود که دهقانان باید تعهدات مالیاتی خود را «موافق دستورالعمل یا قانون معمول گرجستان» انجام بدهند.

به منظور انعکاس صحیح واقعیت در بخش فارسی شمار زیادی از اسناد، اشاراتی وجود دارد که برای جامعه فتووال‌های گرجی آشنا بود و مخصوصاً در متن گرجی آنها را وارد کردند.

این قبیل الحاقات عبارت‌اند از:

- تعهدات فتووالها نسبت به دهقانان یا تعهدات ماموران عالی‌رتبه نسبت به زیردستان یا برعکس.
- اطلاعات اضافی درباره مورد اعطا، گیرنده، علت اعطای نوع مالکیت، تشریح مضمون بعضی تعهدات فتووالها، نحوه ثبت اسناد و غیره.

در دهه چهارم قرن یازدهم / هفدهم در شکل اسناد دوزبانه تغییرات قابل توجهی صورت می‌گیرد، در وقتی که متن فارسی از صفحه مستقل به حاشیه بالایی سند گرجی منتقل می‌گردد.

این تغییر مبنی بر تغییرات اوضاع بین‌المللی است و نشانگر برتری متن فارسی بر متن گرجی یا تمایل به دست آوردن آن برتری می‌باشد و در متن فارسی جمله جدیدی پیدا می‌شود که دستورات آن سند باید به موجهی که در ذیل به خطوط گرجی نوشته اجرا گردد. این قبیل ارتباط بین

بخشهای گرجی و فارسی بنیاد تمام ساختار و مضمون اسناد را عوض می‌کرد. این مرحله تحول اسناد همزمان با تغییراتی است که در روابط سیاسی ایران و گرجستان صورت می‌گیرد و زمینه مناسبی را جهت ملاحظات جالبی فراهم می‌سازد.

۳- طرح مسائل تاریخی

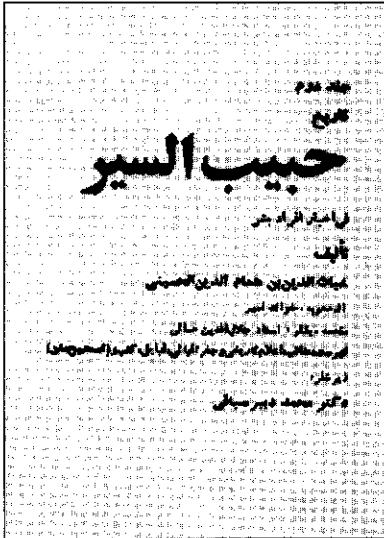
روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین گرجستان و ایران در قرن دهم / شانزدهم موضوع تحقیقات زیادی از سوی محققان گرجی، روسی و اروپائی بوده و در مقالات و تحقیقات علمی منعکس شده است. درست است که روابط ایران و گرجستان در زمان ذکر شده به شیوه مونوگرافی نیست، ولی با

وجود این در تاریخ‌شناسی گرجستان کارهای زیادی در این زمینه انجام شده است. در اینجا نام بردن تمام محققان غیرممکن است ولی وظیفه خود می‌دانم که مهمترین آنها را معرفی کنم:

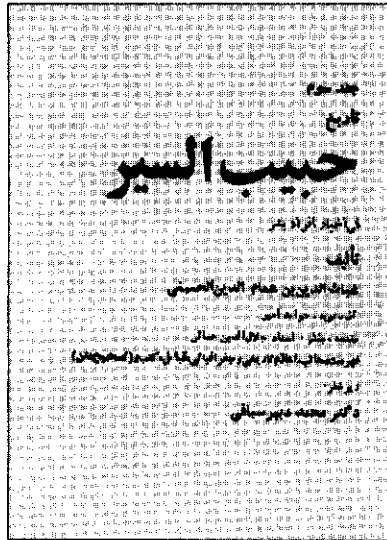
ابتدا باید از تاریخ‌شناسان بزرگ گرجی مثل: بردزنیشویلی، جاواخیشویلی، کاکابادزه، گوریتیشویلی (Gvritishvili) گاباشویلی^{۵۵} نام برد که در کتاب‌های خودشان که مربوط به تاریخ گرجستان است، روابط ایران و گرجستان را نیز خیلی عمیق بررسی نموده‌اند. تحقیقات و مطالعه دانشمندان شرق‌شناسی بر روی روابط ایران و گرجستان بسیار مهم و قابل توجه بوده است. در تحقیقات گاباشویلی، تابانادزه (Tabatadze) کیکنادزه (Kiknadze) کاتسیتادزه، کوتسیا (Kutsia)، ناتروشویلی (Natroshvili)، برادزه (Beradze) و غیره مسایل زیادی بررسی شده است.

ساختار دولت صفویه و نفوذ آن در گرجستان، با در نظر گرفتن موازین مشخص، توضیح داده شد که چطور جامعه فتووالی گرجستان، توانسته سازماندهی سیاسی، فرهنگ و ایدئولوژی خود را حفظ کند. شهرهای ایران صفوی و گرجستان، شکل ظاهری، شباهت و تفاوت بین آنها، تجارت داخلی و خارجی، جنبشهای اجتماعی، حملات قزلباشها و عثمانیان، مبارزه مردم گرجستان ضد استیلگران بیگانه، علاوه بر این مبارزه طبقات در داخل گرجستان، ساختار شاهزاده‌نشینی‌های گرجستان، اینها همگی مقولاتی هستند که توسط جامبوریا (Jamburia)، گوچوا (Guchua) و دیگر محققان تحقیق شده است.^{۵۶}

تحقیقاتی که در مورد گرجیان ایران نوشته شده نیز قابل توجه است. گرجیانی که در ایران فعالیت می‌کردند، در عرصه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی به مقامهای بزرگ رسیدند. علاوه بر این، روابط مختلف پادشاهان گرجی با ایران مورد بحث قرار گرفته است.^{۵۷} تحقیقاتی در مورد برخی روابط ایران و گرجستان در زمینه روابط عثمانی - گرجستان از یک طرف و از طرف دیگر روابط ایران و عثمانی را، روشن می‌کنند که برای ما قابل توجه است.^{۵۸} علاوه بر این تحقیقاتی که براساس منابع اروپایی انجام شده



پارسادان گرگیجانیدزه
که در دوره صفویان
منصبی رده بالا داشت،
(مدتی داروغه
شهر اصفهان بود)،
از اوضاع سیاسی
ایران مطلع بود و
به اغلب فرمان‌ها و اسناد
دسترسی داشت.
بنابراین کتاب او
برای تاریخ روابط
ایران و گرجستان
در قرن ۱۰-۱۱ ه.ق /
۱۶-۱۷ م.
اهمیت زیادی دارد



مورخ و جغرافیدان

معروف گرجی

واخوستنی

باتونیشویلی

[Vakhushti

Batonishvili]

پسر پادشاه

واخانگ،

تاریخ گرجستان را

از زمان قدیم

تا اواسط سالهای

قرن دوازده هجری /

هیجده میلادی

نوشت

است اهمیت زیادی دارد.^{۴۰}

در آرشیه‌های گرجستان اسناد دوره صفوی نگهداری می‌شود، که قسمتی از آنها بررسی و مطالعه شده است و در تحقیقات علمی استفاده می‌گردد.^{۴۱}

تحقیق دربارهٔ روابط ایران و گرجستان، بدون بررسی مسائل سکه‌های ایرانی در گرجستان (به‌ویژه زاگمی) غیرممکن است. در قرن دهم / شانزدهم این سکه‌ها با اسم شاه طهماسب اول ضرب شده است. به خصوص در آخرین سالهای سلطنت او، در شهر زاگمی به اسم شاه طهماسب اول سکه ضرب می‌شد. در زمان دیرتر، در قرن یازدهم / هفدهم سکه با اسم شاه‌عباس اول و شاه صفی ضرب می‌شد. در این مورد

مطالبی در تحقیقات پاخوموف (Pakhomov) کوتلیا (Kutelia)، کاپانادزه (Kapanadze)، چیلاشویلی (Tchtilashvili) می‌توان پیدا کرد.^{۴۲}

در مطالعه علمی تاریخ ایران در دوره صفوی، دانشمندان و محققان شرق‌شناس روسی و غیرروسی خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند، که در تحقیقات آنها مسائل تاریخی ایران در تماس با کشورهای عثمانی، روسیه، آسیای مرکزی، اینسوی قفقاز بررسی شده است. تحقیقاتی که با این شیوه انجام شده فراوان است و اسم بردن از همه آنها در اینجا کار مشکلی است. من سعی می‌کنم به تحقیقاتی که توسط اشخاص زیر انجام شده، اشاره کنم: پتروشوسکی (Petrushevski)، راخصنی (Rahmani)، افندیف (Efendiev)، آکیموشکین (Akimushkin)، بوشف (Bushev)، بابایف (Babaiev) و...^{۴۳}

علاوه بر این، محققان فرانسوی باکه - گرامن (J. L., Bacque-Geammont) و عدل (Adle Sh.) به دلیل فعالیت در مطالعه روابط بین ایران گرجستان قابل اشاره می‌باشند. در نشریات مخصوص به نام «Etudes Turco-Safavids» آنها در طول سالهای متعددی در مورد تاریخ گرجستان^{۴۴} قرن شانزدهم مقالاتی را انتشار می‌دادند که تکیه بر منابع و اسناد فارسی و ترکی داشت. تاریخ ایران صفوی به شیوه مونوگرافی توسط یکی از پروفیسورهای دانشگاه تورنتو، راجر سیوری (Roger Savory) مطالعه شده است.^{۴۵} در اثر وی به ترتیب خاندان صفوی تا حملات افغانها بررسی شده و سیاست داخلی و خارجی ایران در آن زمان روشن شده است. علاوه بر این، روابط با اروپای غربی، تشکیلات اقتصادی - اجتماعی کشور، شهرها، فرهنگ... در اثر وی با عنوان **ایران عصر صفوی** نشان داده شده است. در مورد گرجستان، در مونوگرافی سیوری، مطلب کم وجود دارد ولی باز هم از این زاویه به محققان برای تصریح بعضی از موارد کمک زیادی می‌کند. علاوه بر این، سیوری مقالات مختلف مربوط به اتفاقات آن زمان را به تفکیک منتشر کرده است.

تاریخ ایران کمبریج یکی از آثار بسیار جالب توجهی می‌باشد که توسط شرق‌شناسان برجسته نظیر سیوری،

لارنس لکهارت لوکارتی (Lockhart)، سیدحسین نصر (Nasr)، گری (Grey) تألیف شده و تاریخ ایران در دوره صفوی در یکی از جلد‌های آن بطور مفصل مطالعه شده است. در این اثر مواردی مانند: نظام اداری ایران صفوی، سیاست خارجی، تجارت، اقتصاد، دین، هنر، ادبیات و اشعار بررسی شده است.^{۴۶}

در آخر، طبیعی است که برای ما آشنایی با تحقیقات مورخان معاصر ایرانی جالب می‌باشد. مورخان ایرانی دسترسی به منابع مختلف و پراهمیت دارند و به این دلیل آثار آنها برای ما ارزش زیادی دارند. تألیفات آنها استوار بر منابع اولیه فارسی و عثمانی، بر اسناد کمیاب از آرشیه‌ها و علاوه بر آن از نسخه‌های مجموعه‌های شخصی می‌باشند. در مطالعه تاریخ دوره صفوی نصرالله فلسفی سهم بزرگی دارد که روی مسائل روابط ایران و عثمانی، سلطنت شاه عباس اول و شاه صفی تحقیق کرده است.^{۴۷} مونوگرافی غلام سرور که کلاً درباره سلطنت شاه اسماعیل اول می‌باشد، قابل توجه است.^{۴۸} علاوه بر این تألیفات احمد تاج‌بخش، نذیر احمد، حافظ فرمانفرمایان، سید حسین نصر، حامد الگار، محمدجواد مشکور بسیار قابل توجه هستند.^{۴۹}

مورخان ایرانی روابط ایران و گرجستان را به عنوان یک موضوع مجزا، بررسی نکرده‌اند ولی با وجود این در آثار آنها اطلاعات زیادی در این رابطه آمده است که کمک زیادی برای روشن کردن بعضی از وقایع می‌کند. این آثار از این نظر برای ما مهم می‌باشند: حملات قزلباشها به گرجستان، روابط شاهان ایران با گرجستان، فعالیت گرجیان در ایران و در رابطه با نظریات مورخان ایرانی نسبت به گرجستان، درخصوص وضع سیاسی گرجستان در قرن دهم / شانزدهم، در اثر آنها مطلب مشخص دیده نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Javakhishvili, Istoriis mizani, tskaroebi da metodobi tsinat da akhla, ts ۱, Dzeveli kartuli saistorio mtserloba (V-XVIIIss.), Tbilisi, ۱۹۴۵, gv. ۲۹

۲. جواخیشویلی، میزان تاریخ، منابع و روشها دیروز و امروز، تاریخ‌نویسی گرجی قدیمی. (قرون ۱۸-۵) تفلیس، ۱۹۴۵، ص. ۲۹

۳. حسن روملو، احسن التواریخ.

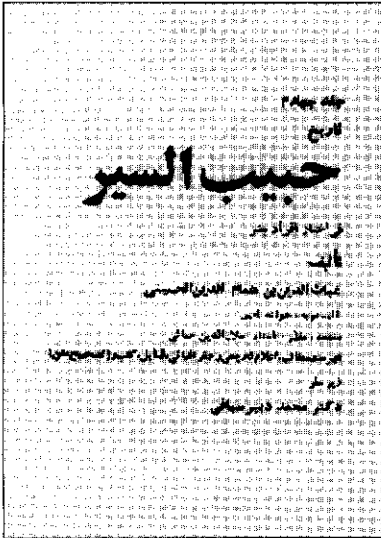
Hassan Rumlus tsnobebi sakartvelos shesakheb. Sparsuli texti kartuli targmanita da shesavit gamosta V. Puturidzem, shenishvnebi daurto R. Kiknadzem, Tbilisi, ۱۹۶۶

۴. اطلاعات حسن روملو درباره گرجستان، متن فارسی با ترجمه گرجی پوتوریدزه و با حواشی ر. کیکنادزه، تفلیس، ۱۹۶۶.

۵. [از این به بعد از این کتاب با نام اطلاعات حسن روملو درباره گرجستان یاد خواهد شد.]

۶. شرف خان بدلیسی، شرف نامه.

K.Tabatadze, Sherif Khan Bidlisis tsnobebi Sakartvelos shesakheb,



پارسانان
گرگیجانیدزه
برای قرن دهم
هجری قمری /
شانزدهم میلادی
از «تاریخ عالم آرای
عباسی»
برای سال های
دهه ۳۰ قرن یازدهم هـ /
هفدهم م.
از «ذیل تاریخ عالم
آرای عباسی» و
برای اواسط
قرن یازدهم / هفدهم
از کتاب مورخ دربار
شاه عباس دوم،
محمدطاهر وحید
استفاده کرده است

گلاشویلی، مسایل ساختار منابع تاریخی -
 فارسی طبق [تاریخ جهان آرا] قاضی احمد غفاری
 تحقیقات شرقشناسی، تفلیس، ۱۹۸۸، صص.
 ۱۸۷-۱۸۸

Y. Pomaskevich A. A. Iranske

istochniki po istorii Turkmen

XVI-XIXvv Material po istorii tkmeni

i Turkmeni, t. li, Moscow-Leningrad,

۱۹۳۸, s. ۷:

رومانشکوویچ، مورخان ایرانی درباره تاریخ
 ترکمن قرون ۱۶-۱۹، مطالب از تاریخ ترکمن و
 ترکمنستان مسکو. - لنینگراد، ۱۹۳۸، ص. ۷.

۸. Petrushevskii I. P. Ocherki po istorii

feodalnih otnosheni v Azerbaijane i

Armenii v XVI- nachale XIXv,

Leningrad, ۱۹۳۹, s. ۲۱:

پتروشوسکی، شرح در مورد تاریخ روابط فتودالی در
 آذربایجان و ارمنستان در قرن ۱۶ و اوائل قرن ۱۹، لنینگراد، ۱۹۳۹،
 ص. ۲۱. (از این به بعد از این کتاب با نام تاریخ روابط فتودالی یاد
 خواهد شد).

۹. عالم آرای شاه اسماعیل، به اهتمام اصغر منتظر صاحب
 تهران ۱۳۹۹، و عالم آرای صفوی، به اهتمام بدالله شکری، تهران،
 بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.

۱۰. قسمتی که مربوط به روابط ایران و گرجستان در
 سال های ۱۵۲۴-۱۵۲۱ می باشد به زبان فرانسوی توسط باکه -
 گرامون و عدل به چاپ رسید.

[J. L. Bacque-Grammohet et Ch. Adle

Notes sur les Safavides et La Georgie

۱۵۲۱-۱۵۲۴. Studia iranica, t. ۹, fasc. ۲,

Leiden, ۱۹۸۰, p. ۲۱۱-۲۳۱]

Gelashvili N. G. K izucheniu

anomonogo Tezisi, istochnika

'Alam-araie shakh Ismail',

Bartoldavskie Chtenia,

۱۹۸۴, s. ۲۷: Moscow,

گلاشویلی، برای مطالعه مورخ ناشناس کتاب عالم آرای شاه
 اسماعیل، کنفرانس به مناسبت سالگرد بارتولد، تزسیه، مسکو،
 ۱۹۸۴، ص. ۲۷.

Ekaev O. A., Turkmenistan i turkmeni v

kontse XV- pervoi polovine XVIvv.

[po dannim 'Alam-Araie safavi],

Ashkabad, ۱۹۸۱:

اکائف، ترکمنستان و ترکمنان در آخر قرن ۱۵ و نیمه اول
 قرن ۱۶، طبق اطلاعات عالم آرای صفوی، عشق آباد، ۱۹۸۱.

۱۱. عالم آرای شاه اسماعیل، همان، صص. ۱۸-۱۹.

عالم آرای صفوی، همان، ص. ۲۱.

فهرست نسخهای فارسی، ج ششم، احمد منزوی، تهران،
 ۱۳۵۳، صص. ۳۳۵۴-۳۳۵۵.

۱۲. مقدمه های منتظر صاحب و شکری در عالم آرای شاه
 اسماعیل، ص. ۱۷؛ عالم آرای صفوی، ۳۰.

۱۳. Stori Ch. A. Persidskaia literatura,

Bio-bibliograficheski obzor. Perevel c

Kavkasiur - akhloagmosavluri krebuli, II,

Tbilisi, ۱۹۶۲:

ک. تاباتادزه، اطلاعات شرف خان بدلیسی درباره گرجستان،
 مجموعه فقازی شرقی، ۱۱، تفلیس، ۱۹۶۲. (از این پس از این
 کتاب با نام اطلاعات شرف خان بدلیسی درباره گرجستان یاد
 خواهد شد).

D. Katsitade, Iran-Sakartvelos

urtiertobisistoriidan, TSU shormebi,

۱۰۸, Tbilisi, ۱۹۶۴:

د. کاتسیتادزه، از تاریخ روابط ایران و گرجستان، تحقیقات
 دانشگاه دولتی تفلیس، ۱۰۸، تفلیس ۱۹۶۴.
 (از این به بعد از این کتاب با نام تاریخ روابط ایران و
 گرجستان یاد خواهد شد)

اسکندر بیگ منشی، عالم آرای عباسی.

D. Katsitade, Iran-Sakartvelos

urtiertobis istoriidan, TSU shromebi,

۱۰۸, Tbilisi, ۱۹۶۴:

د. کاتسیتادزه، از تاریخ روابط ایران و گرجستان، تحقیقات
 دانشگاه دولتی تفلیس، ۱۰۸، تفلیس ۱۹۶۴. (از این به بعد از این
 کتاب با نام تاریخ روابط ایران و گرجستان یاد خواهد شد)

Iskander Monshis tsnobebi sakartvelos

shesakheb, shesavali da targmani

V. Puturidzis, shenishvnebi D. Katsitadzis,

Tbilisi, ۱۹۶۹:

اطلاعات اسکندر منشی درباره گرجستان، با مقدمه و ترجمه
 و پوتوریدزه، با حواشی د. کاتسیتادزه. تفلیس، ۱۹۶۹. (از این به بعد
 از این کتاب با نام اطلاعات اسکندریک منشی درباره گرجستان
 یاد خواهد شد).

شاه طهماسب تذکره شاه طهماسب.

Shah Tamazis saubari Osmaletis

elchebtan. Sparsuli textsi gamosatsemad

moamazada, targma, shenishvnebi da

tsinasitghvaoba daurto K. Tabatadzem,

Tbilisi, ۱۹۷۶.

صحبت شاه طهماسب با سفیران عثمانی، با ترجمه، مقدمه و
 حواشی ک. کاتسیتادزه، تفلیس، ۱۹۷۶. (از این به بعد از این کتاب
 با نام صحبت شاه طهماسب با سفیران عثمانی یاد خواهد شد).

۲. Debrov L. A. Vvedenie v izuchenie

istorii, Moscwa, ۱۹۸۱, s. ۷۶-۷۹:

دبروف، مقدمه در مطالعه تاریخ مسکو، ۱۹۸۱، صص ۷۶-۷۹.

۴. Jukov E. M. Ocherki metodologii

istorii. Moscow, ۱۹۸۰, s. ۳۳:

ژوکوف، شرح متدولوژی تاریخ مسکو، ۱۹۸۰، ص ۳۳

۵. همان، ص. ۳۷.

۶. قاضی احمد غفاری، تاریخ جهان آرا.

Gelashvili N. G. Voprosi strukturi

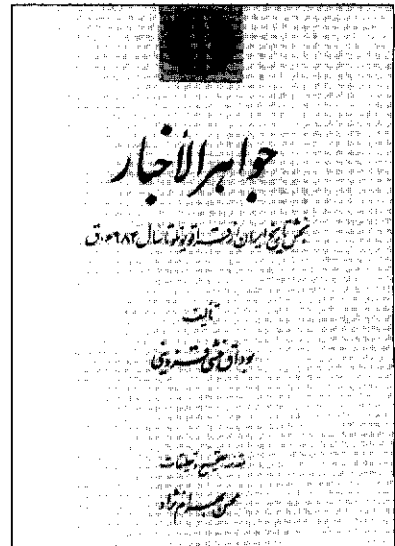
persoiazichnikh istoricheskikh sochineni

[Po materialam 'tarikhe-e Djakhan -ara'

Kazi Axmeda Gaffari].

Istochnovedcheskie raziskania, Tbilisi,

۱۹۸۸, s. ۱۸۷-۱۸۸



(K.Tabatadze) پژوهشی در این زمینه با عنوان ملاقات ایلچیان عثمانی با شاه طهماسب (۱۹۷۶) منتشر کرده است. به نقل از: جمشید گیوناشویلی «ایران‌شناسی در گرجستان». نشر دانش. سال پانزدهم. شماره سوم. ۱۳۷۴. ص ۲۵. ص. [۲۳. نسخه خطی از کتابخانه سالتیکوف شدرین در سانتک - پترزبورگ. کاتالوگ درنی، ۲۲۸.

۲۴. Petrov I.P. Ob odnom redkom istochnike po istorii Sefevidov. Cobevckoe vostokovedenie, No ۱, ۱۹۵۶, s. ۱۱۱-۱۲۰.

یتروف، درباره یک منبع نفیس دوره صفوی. شرق‌شناسی شوروی، شماره ۱، ۱۹۵۶، صص. ۱۱۱-۱۲۰.

۲۵. تاریخ جهان آرا، مؤلف قاضی احمد غفاری قزوینی، تهران، ۱۳۴۲.

مسایل ساختار منابع تاریخی فارسی، همان، صص. ۱۸۹-۱۹۰.

۲۶. نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار، محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، تهران ۱۳۵۰.

۲۷. تاریخ عالم آرای عباسی، تألیف اسکندر بیگ ترکمن، اراک، تهران، ۱۳۳۴، ۱۳۷۷.

۲۸. V. Gabashvili, Kartuli peodaturi ۳۲: tskobileba XVI-XVIIss. Tbilisi, ۱۹۵۸, gv.

گابتشویلی، نظام فتوادی گرجی در قرون ۱۷-۱۶، تغلیس، ۱۹۵۸، ص. ۳۲.

۲۹. تاریخ روابط فتوادی، همان، صص. ۳۲-۳۵.

Pahmani A.A. Tarikh-e alam-arai-e Abbasi, kak istochnik po istorii Azerbaijan, Baku, ۱۹۶۰.

راحمانی، تاریخ عالم آرای عباسی به عنوان منابع برای تاریخ آذربایجان، باکو، ۱۹۶۰.

استوری، همان، صص. ۸۷۳-۸۸۱.

اطلاعات اسکندرمنشی درباره گرجستان

۳۰. نسخه خطی آکادمی علوم روسیه انستیتوی شرق‌شناسی B-۶۶۰.

۳۱. Efendiev O.A., Obrazovanie Azerbajdzhanskogo gosudarstva Sefevidov v nachale XVI veka, Baku, ۱۹۶۱, s. ۱۵-۱۷.

افندیف، تشکیل دولت آذربایجانی صفوی، باکو، ۱۹۸۱، صص. ۱۷-۱۵.

۳۲. Chrestomathie Persane, Publice par Ch. Schefer, II, Paris, ۱۸۸۵, p. ۵۶-۱۰۴.

۳۳. تشکیل دولت آذربایجانی صفوی، همان، صص. ۲۰، ۱۶۵-۱۴۳.

۳۴. قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ۱۳۶۳، دو جلد.

میکروفیلم نسخه خطی از کتابخانه انستیتوی شرق‌شناسی س - پترزبورگ (No B-۳۱۰) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ.

۳۵. شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی به اهتمام دکتر عبدالرحسین نوایی، ا، ۱۳۵۲، ا، ۱۳۵۳.

۳۶. R. Kiknadze, Farsadan Gorgidzanidze da istoriani azmani sharavandentani Tbilisi, ۱۹۷۵, gv, ۲۲-۲۵: da

angliskogo, pererabotai i dopolnil Bregel U.E., II, Moscow, ۱۹۷۲, s. ۸۵۳:

استوری، ادبیات فارسی، تفسیر بیبلیوگرافی. ترجمه برگل، ا، مسکو، ۱۹۷۲، ص. ۸۵۳.

ترکمنستان و ترکمنان در آخر قرن ۱۵ و نیمه اول قرن ۱۶، همان، ص. ۹.

۱۴. Anonime, Chronique anonyme de Shah Ismail, Londers, British Library ms. Or. ۳۲۴۸۱.

میکروفیلم این منبع در کتابخانه مرکزی آکادمی ترکمنستان نگهداری می‌شود. [متن این کتاب به صورت عکس در پاکستان چاپ شده است. ص. [

۱۵. استوری، همان، صص. ۸۵۵-۸۵۴.

Efendiev O.A., Azerbajdzhanskoe gosudarstvo Sefevidov, Baku, ۱۹۸۱, s. ۱۲.

افندیف، تشکیل دولت آذربایجانی صفوی، باکو، ۱۹۸۱، ص. ۱۲.

رحیم‌زاده صفوی، زندگانی شاه اسماعیل صفوی به اهتمام یوسف پور صفوی، تهران، ۱۳۴۱.

۱۶. Ch. Rieu, Supplement ti the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, Londres. ۱۸۹۵, p. ۳۴.

D. Ross, The early Years of the Shah Ismail Founder of the Safavi Dynasty, IRAS, ۱۸۹۶, Vol. ۲۹, p. ۳۴۹-۳۴۰.

۱۷. Efendiev O.A. Sravnitelni analiz anonimnoi khroniki 'Tapikh-e shah Ismail Sefevi' i 'Habib as-silar' Khondemira. Bartoldovskie chtenia, Tezisi dokladov, Moscow, ۱۹۸۱, s. ۹۳-۹۴.

افندیف، آنالیز مقایسه تاریخ شاه اسماعیل اول و حبیب السیر، کنفرانس به مناسبت سالگرد بارتولد، تزیستهای گزارش‌ها، مسکو، ۱۹۸۱، صص. ۹۳-۹۴.

۱۸. ترکمنستان و ترکمنان در آخر قرن ۱۵ و نیمه اول قرن ۱۶، همان، صص. ۷-۸.

۱۹. J.L. Bacque-Grammont et Ch Adle. Notes sur les Safavides et La Georgie ۱۵۲۱-۱۵۲۴. p. ۲۱۵

۲۰. A Cronicle of early Safavids being the Ahsan'u'l tavarikh of Hasan-e Rumlu ed. C.N. Seddon, vol-II, Barodea, ۱۹۲۱, ۱۹۳۴.

استوری، همان، ص. ۸۵۹.

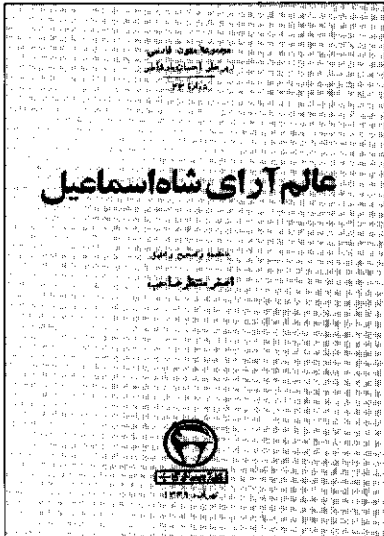
۲۱. اطلاعات شرف خان بدلیسی درباره گرجستان، صص. ۱۵۹-۱۸۶.

Sheref-Khan Bidlisi, Sharaf-name. Perevod, predislovie, primechania i prilozhenia E.I. Vasilevici, t.II, Moscow, ۱۹۷۶.

شرف خان بدلیسی، شرف نامه، ترجمه مقدمه واسیلوی ا، مسکو ۱۹۷۶.

۲۲. صحبت شاه طهماسب با سفیران عثمانی. [ک. تابادزه

پادشاه
واختانگ ششم،
«هیأتی»
(اشخاص دانشمند)
تشکیل داد و
فرمان داد
نسخه‌های
«حیات گرجستان» را
تکمیل، اصلاح و
ادامه دهند.
این هیأت اسناد
داخلی و خارجی
زیادی فراهم آورد و
براساس آنها
تاریخ گرجستان از
قرن دهم تا
دوازدهم ه. ق /
شانزدهم تا هجدهم
میلادی را
به رشته تحریر
کشیدند



برای مطالعه تاریخ
ایران و گرجستان،
تاریخ‌نویسی و
اسناد عثمانی نیز
اهمیت زیادی دارد.
در کتابهای آنها
در ضمن شرح
عثمانی - گرجستان و
ایران - عثمانی
اطلاعات قابل توجهی
از تاریخ
ایران - گرجستان
به دست
داده شده است

shenishvnebi da sadzieblebi dayrto

G. Alasaniam, Tbilisi, ۱۹۸۰, gv. ۸-۱۲:

زندگی نامه گرجستان، [وقایع نامه پاریس]
به اهتمام گ. آلاسانیام، تفلیس، ۱۹۸۰، صص. ۸-۱۲.

۴۶. منابع فارسی قرون ۱۷-۱۶ برای ادامه
حیات جدید کارتلی و کتاب پارسادان
گرگیانیدزه، همان، ص. ۱۴۴.

۳۷. T. Jvania, Kronikebi da skhva masala
sakartvelos istoriisa da mtserlobisa,
tsigni II, Tbilisi, ۱۹۷۷:

ژوئیه، وقایع نامه‌ها و مطالب دیگری درباره
تاریخ گرجستان و ادبیات، کتاب دوم، تفلیس،
۱۹۷۷.

۳۸. Mtsire kronikebi [kinklosnebis
istoriuli minatserebi] texti gamostsa,

shesavali tserili da komentarebi daurto

J. Odishelma. Tbilisi, ۱۹۶۸:

وقایع‌های کوچک یادداشت تاریخی کینکلس‌ها، با اهتمام
اودیشلی، تفلیس، ۱۹۶۸.

۴۹. Samkhret sakartvelos istoriis
masaledi [XV-XVII]. Textstebis
publikatsia, gamokvlevis da sadzieblebi

Kr. Sharashenidzisa, Tbilisi, ۱۹۶۱:

مسائل تاریخ گرجستان جنوبی [قرون ۱۵-۱۶] با اهتمام
شاراشنیدزه، تفلیس، ۱۹۶۱.

۵۰. M. Svanidze, Sakartvelo-Osmaletis

۱۹۷۱, gv. ۱۲-۱۶: urtiertobis istoriidan XVI-XVIIs, Tbilisi,

سوانیدزه، از تاریخ روابط گرجستان - عثمانی در قرون ۱۸-
۱۶، تفلیس، ۱۹۷۱، صص. ۱۲-۱۶.

N. Shengelia, XV-XIXss. Sakartvelos

istoriis Osmaluri tskaroebi, Tbilisi, ۱۹۷۴:

شنگلیا، منابع عثمانی قرون ۱۵-۱۹ برای تاریخ گرجستان،
تفلیس، ۱۹۷۴.

M. Svanidze, S. Jikia, Sakartvelo-turketis

urtiertobis istoriidan ۱۵۸۸-۱۵۹۰-its,

Matsne istoriis seria], ۱۹۶۶, N۶, gv.

۲۲۳-۲۲۶:

سوانیدزه، جیکیا، از تاریخ روابط گرجستان و ترکیه در
سال‌های ۱۵۸۸-۱۵۹۰، ۱۹۶۶، صص. ۲۲۳-۲۲۶.

V. Chochoevi, Kakhetis samepos sagareo

politikis istoriidan XVIIs. ۶۰-ian tslebshi,

TSU shromebi, t. ۱۱۸, ۱۹۶۷, gv. ۲۶۰:

چیچف، از تاریخ سیاست خارجی پادشاهی کاختی در
سال‌های ۶۰ قرن شانزدهم، دانشگاه دولتی گرجستان، ۱۹۶۷،
ص. ۲۶۰.

Turkuli tskaroebi XVIIs. i meotkhebis

Samtskhe-saatbagos istoriisatvis.

Turkuli dokumentebi kartuli targamanit,

gamokvgevit da shenishvnebit gamostsa

Ts. Abuladzem, Tbilisi, ۱۹۸۳.

منابع تاریخی ترکی درباره تاریخ نیمه دوم قرن شانزدهم

کیکنادزه، پارسادان گرگیانیدزه و [تاریخ‌های شراودانی]

تفلیس، ۱۹۷۵، صص. ۲۳-۲۵.

۳۷. K. Kutsia, Ispahans kartveli tarugebi,

makhlobeli agmosavirtis istoriis

sakitkhebi, Tbilisi, ۱۹۷۳, II, gv. ۹۶-۹۸.

کوتسیا، داروغه‌های گرجی اصفهانی، مسائل تاریخ آسیای

صغیر، تفلیس، ۱۹۷۳، II، صص. ۹۶-۹۸.

۳۸. V. Puturidze, Mohammad Taheris

tsnobebi sakartvelos shesakhe, Masalebi

sakartvelosa da kavkasiis istoriisatvis,

nakv. ۳۰, Tbilisi, ۱۹۵۴, gv. ۳۸۶-۳۸۷:

پوتوریدزه، اطلاعات محمد طاهر درباره گرجستان، تفلیس،
۱۹۵۴، صص. ۳۸۶-۳۸۷. [من بعد این کتاب را با نام اطلاعات
محمدطاهر درباره گرجستان یاد خواهد کرد]

K Kutsia. Sotsialno-ekonomicheskia

struktura i cotsialnaia borba v gorodakh

Sefevidskogo Irana, Tbilisi, ۱۹۹۰, s. ۱۲-۱۲۲.

کوتسیا، ساختار اقتصادی - اجتماعی و مبارزه طبقات در

شهرهای ایران صفوی، تفلیس، ۱۹۹۰، صص. ۱۲-۱۲۲.

۳۹. تاریخ‌نویسی گرجی قدیمی، همان، صص. ۲۹۵-۲۹۶.

S. Kakabadze, Parsadan Gorijanidzis

istoria, Saistorio moambe, II, Tbilisi, ۱۹۲۵, gv. ۲۰۳:

کاکابادزه، تاریخ پارسادان گرگیانیدزه، II، تفلیس، ص.

۲۰۳.

۴۰. اطلاعات محمد طاهری درباره گرجستان، همان، ص.

۲۷۸.

نظام فئودالی گرجی در قرون ۱۷-۱۶، همان، ص ۲۲.

D. Katsiadze, Parsadan Gorgidzanidzis

Ikzhulebisa da 'Kartlis tskhovrebis'

gagtdzelebata XVI-XVII. sparsuli

tskaroebi, sak. mets. Akademiis

moambe, ۱۹۶۰, N-۲, gv. ۱۲۴-۱۳۰.

کانسینادزه، منابع فارسی قرون ۱۶-۱۷ برای ادامه حیات

جدید کارتلی و کتاب پارسادان گرگیانیدزه. آکادمی علوم
گرجستان، ۱۹۶۰، شماره ۲، ص. ۱۲۴-۱۲۳.

۴۱. تاریخ‌نویسی گرجی قدیمی، همان، ص. ۳۲۱.

۴۲. Batonishvili Vakhushti, Agtsera

sameposa sakartvelosa, kartiis

tskhovreba, t. IV, texti dadgenili kvela

dziritadi khelnatseris mikhedvit

S. Ghaykhchishvilis mier, Tablisis, ۱۹۷۳:

باتونیشویلی واخوستی، توصیف پادشاهی گرجستان، متن با

تمام نسخه‌های خطی توسط س. قاوخیشویلی تأیید شده است،
تفلیس، ۱۹۷۳.

۴۳. تاریخ‌نویسی گرجی قدیمی، همان، صص. ۳۳۱-۳۳۵.

۴۴. Akhali kartlis tskhovrebis mesame

texti, Kartlis mskhovreba, II, Tbilisi, ۱۹۵۹:

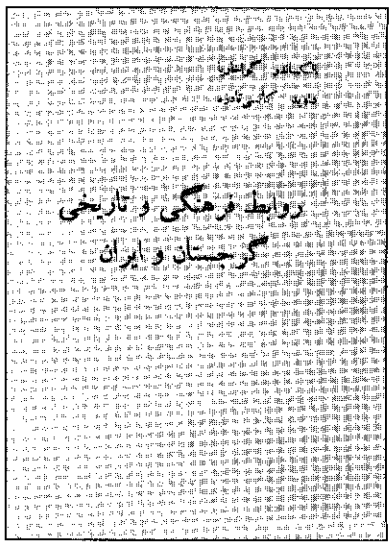
متن سوم حیات جدید کارتلی، حیات کارتلی، II، تفلیس

۱۹۵۹.

تاریخ‌نویسی گرجی قدیمی، همان، صص. ۳۵۲-۳۵۶.

۴۵. Tskovreba sakartveloisa [Parisis

kronika] texti moamzada, shesavali,



روابط فرهنگی و تاریخی گرجستان و ایران

سامنسخه - ساتاباگو، به اهتمام و ترجمه آبولادزه، تفلیس، ۱۹۸۳.

۵۱. Gurjustanis didi daftari. Turkuli texti gamostsa da targmna S. Jikiam, Tbilisi, I, ۱۹۴۷, II, ۱۹۵۱, III, ۱۹۵۸.

دفتر بزرگ گرجستان، به اهتمام و ترجمه جیکیا، تفلیس، I، ۱۹۴۷، II، ۱۹۵۱، III، ۱۹۵۸.

۵۲. از تاریخ روابط گرجستان و ترکیه، همان، صص. ۹-۱۳.

۵۳. G. Puturidze, Mustafa Selaniki tsnobebi sakartvelosa da kavkasiis shesakheb. TSU shromebi, ۱۹۶۰، gv. ۲۵۵-۲۵۷.

پونوریدزه، اطلاعات مصطفی سلانیکیی درباره گرجستان و قفقاز، دانشگاه دولتی گرجستان، ۱۹۶۰، صص ۲۲۷-۲۲۵.

(من بعد این کتاب را با نام اطلاعات مصطفی سلانیکیی درباره گرجستان یاد خواهد کرد)

۵۴. Ibrahim Pechevis tsnobebi sakartvelosa da kavkasiis shesakheb, texti kartuli targmanit gamostsa, shesavali da shenishvnebi daurot S. Jikiam, Tbilisi, ۱۹۶۴.

اطلاعات ابراهیم پچوی درباره گرجستان و قفقاز، ترجمه از ترکی جیکیا، تفلیس، ۱۹۶۴. [از این به بعد از این کتاب با نام اطلاعات ابراهیم پچوی درباره گرجستان یاد خواهد شد.]

۵۵. Shengelia, Osmalo istorikosis munejil bashis tsnibebi Lala Mostafa-pasfas amierkavkasiis kveghnebsi lashkrobis shesakheb, Kartuli tskartormisodneoba, II, Tbilisi, ۱۹۶۸، gv. ۱۲۵-۱۲۲.

سنگلیا، اطلاعات مورخ منجم‌باشی درباره حملات لاله مصطفی به کشورهای ملوراء قفقاز، تفلیس، ۱۹۶۸، صص. ۱۲۵-۱۲۲.

۵۶. Belokurov S. A. Snoshenia Rosii s kavkazom, vip. I, ۱۹۷۸-۱۶۱۲gg, Moscow, بلوکورف، ارتباط روسیه با قفقاز در سال‌های ۱۶۱۳-۱۵۷۸، مسکو، ۱۸۸۹.

Polievktov M. A. Evropeiskie Puteshestveniki XIII-XVIIvv po Kavkazu, Tifilis, ۱۹۲۵.

پولیوکتف، مسافران اروپای قرون ۱۸-۱۳ درباره قفقاز، تفلیس، ۱۹۲۵.

۱۹۳۵. Cmirnov N. A. Politika Rosii na Kavkaze v XVI-XIXvv, Moscow, ۱۹۵۸.

سمیرنوف، سیاست روسیه در قفقاز در قرون ۱۶-۱۹، مسکو، ۱۹۵۸.

Bushev P. P. Istoria posolstv i diplomaticheskikh otnosheni Russkogo i Iranskogo gosudarstv v ۱۵۸۸-۱۶۱۲gg, Moscow, ۱۹۷۶.

بوشف، تاریخ سفارت‌ها و روابط دولت‌های روسیه و ایران در

سال‌های ۱۶۱۲-۱۵۸۸، مسکو، ۱۹۷۶.

۵۷. Arakel Davrijetsi. Kniga istori. Perevod c armianskogo, predislovie i komntari L. A. Khanlarian, M., ۱۹۷۳.

اراکل داوریژتس، کتاب تاریخ‌ها، به ترجمه و مقدمه خانلاریان، مسکو، ۱۹۷۳.

Arakel Davrijetsis tsnobebi sakartvelos shesakheb targmani, shesavali da komentarebi K. Kutsias, Tbilisi, ۱۹۷۴.

اطلاعات اراکل داوریژتس درباره گرجستان، به ترجمه و مقدمه کوتسیا، تفلیس، ۱۹۷۴.

۵۸. K. Kutsia, Grigol Daranagtsis tsnoba Simon I-is Stambulshi tghveobis shesakheb, Sakartvelos istoriis agmosavluri masalebi, n. I, Tbilisi, ۱۹۷۶، gv. ۱۲۰-۱۲۲.

کوتسیا، اطلاعات کریگول دارانغتس درباره اسارت سیمون اول در استنبول، تفلیس، ۱۹۷۶، صص. ۱۲۰-۱۲۲.

۵۹. I. Javakhishvili, Sakartvelos ۱۹۳۰، gv. ۱۱۹. ekonomikuri istoria, tsignil, Tbilisi, جاواخیشویلی، تاریخ اقتصادی گرجستان، تفلیس، ۱۹۳۰، ص. ۱۱۹.

۶۰. همان جا.

۶۱. E. Mamistvalashvili, Italiel mogzaurta tsnobebi XVI-is dasatskisis Iran-Sakartvelos urtiertobis shesakheb. Evropis kveknobis istoriis problemebi, I, Tbilisi, ۱۹۷۵، gv. ۱۵۰-۱۶۰.

مامیستوالاشویلی، اطلاعات مسافران ایتالیایی درباره روابط ایران و گرجستان در قرن ۱۶، تفلیس، ۱۹۷۵، صص. ۱۵۰-۱۶۰.

۶۲. Jan Shardenis mogzaurba sparssetsa da agmosavletis skhva kveghnebsi [tsnobebi Sakartvelos shesakheb]. Prangulidan targmna, gamokvieva da komentarebi daurot Mzia Mgaloblishvilma, Tbilisi, ۱۹۷۵.

سفر ژان شاردن در ایران و کشورهای دیگر شرقی اطلاعات درباره گرجستان ترجمه مگالوبلیشویلی، تفلیس، ۱۹۷۵.

شاردن، ژان، سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمدلوی عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵، ده جلد.

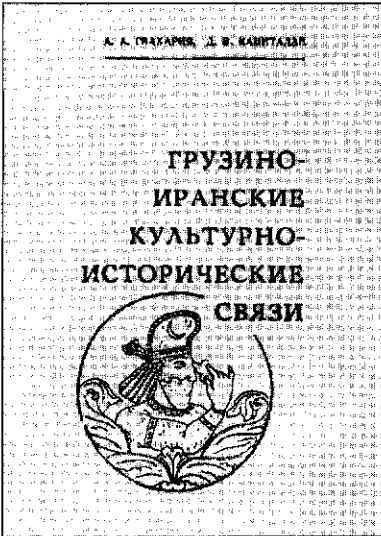
۶۳. A Cronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XVI th and XVIIth centuries, vol. I. London, ۱۹۳۹، p. ۲۸.

۶۴. التاریوس، آدام، سفرنامه آدام التاریوس (اصفهان خونین شاه صفی) ترجمه حسین کردبچه تهران، هیرمند ۱۳۷۹، دو جلد.

۶۵. N. Berdzenishvili, Sakartvelos istoriis saktikhebi, II, Tbilisi, ۱۹۶۵.

بردزنیشویلی، مسایل تاریخ گرجستان، چاپ دوم، تفلیس، ۱۹۶۵.

I. Javakhishvili, Kartveli eris istoria, IV,



بررسی و تحلیل روابط ایران و گرجستان در منابع اروپایی نیز اهمیت دارد. بیشتر این منابع تاریخی به شیوه گزارش، نوشته شده و مؤلفان آنها میسیونرها، مسافران و نمایندگان هیأت‌های دیپلماتیک هستند که به دلایل مختلف به ایران، گرجستان و کشورهای دیگر سفر کرده و خاطرات و مشاهدات خود را ثبت کرده‌اند

تفلیس، ۱۹۷۳، ص ۸۵-۱۲۶.

۶۷. K. Tabatadze, Amierkavkasiis

cveknebi da sepianta sakhelmtsipo,

narkvevebi agmosavletis istoriidan, Tb.,

۱۹۵۷, gv. ۲۹۷-۳۲۶.

تاباتادزه، آنسوی قفقاز و دولت صفوی،

شرح‌ها از تاریخ شرق، تفلیس، ۱۹۵۷، ص. ۲۹۷-۳۲۶.

D. Katsitadze, Iran-Sakartvelos

urtiertobis istoriidan, TSU shromebi, t.

۱۰۸, Tb., ۱۹۶۴, gv. ۳۸۵-۳۹۴.

کاتسیتادزه، از روابط ایران و گرجستان،

دانشگاه دولتی تفلیس، جلد ۱۰۸، تفلیس، ۱۹۶۴، ص. ۳۸۵-۳۹۴.

K. Kutsia, Kavkasiuri elementi sepianta

politikur sarbielze, makhlobeli

agmosavletis istoriis sakitkhebi, II Tb.,

۱۹۶۳, gv. ۶۵-۷۷.

کوتسیا، عنصر قفقازی در میدان سیاسی صفوی، شرح‌ها از

تاریخ خاور نزدیک، تفلیس، ۱۹۶۳، ۶۵-۶۷.

Ispahani Kartveli tarugebi (۱۶۱۸-۱۷۳۲)،

makhlobeli agmosavletis sakitkhebi, II,

Tb., ۱۹۷۲, gv. ۹۳-۱۰۳.

داروغه‌های گرجی اصفهان (۱۶۱۸-۱۷۳۲). مسایل خاور

نزدیک، چاپ دوم، تفلیس، ص. ۹۳-۱۰۳.

V. Gabashvili, Undilaant peodaluri

sakhli XVI - XVIIss. Iranshi (Kartuli

tsghatoebis mikhedvit), makhlobeli

agmosavletis istoriis sakitkhebi, II, Tb.,

۱۹۷۲, gv. ۶۵-۷۷.

کاباشویلی، خانه فتودالی اوندیلادزه در ایران قرنهای ۱۶-۱۸

م. (طبق منابع گرجی)، شرح‌ها از مسایل تاریخ خاور نزدیک، چاپ

دوم، تفلیس، ۱۹۷۲، صص. ۶۵-۷۷.

T. Natroshvili, Mashrekidan magrebamde, Tb., ۱۹۷۴:

ناتروشویلی، از مشرق تا مغرب، تفلیس، ۱۹۷۴.

N. Gelashvili, Iskander Munshi

Undiladzetaukanaskneli dgeebis

shesakheb iranshi, Sabghota samartali

۱۹۷۶, N ۲, gv. ۶۲-۶۵:

ن. کاشویلی، اسکندر منشی درباره آخرین روزهای

اوندیلادزه‌ها در ایران، حقوق شوروی ۱۹۷۶، شماره ۲، صص. ۶۲-۶۵.

G. G. Beradze, Svedenia o gruzii v

persidskom sochinenii "Ihi - a

AI-Miyik".

Ictokovedcheskoe raziskania, Tbilisi,

۱۹۸۲, c. ۱۱-۱۲۸:

گ. گ. برادزه، اطلاعات درباره گرجستان در احیاءالملوک،

تحقیقات تاریخی، تفلیس ۱۹۸۲، صص. ۱۱۰-۱۲۸.

ساختار اقتصادی - اجتماعی و مبارزه اجتماعی در شهرهای

ایران، همان، تفلیس، صص. ۱۲۰-۱۲۵. ص. ۱۲۵-۱۲۰.

۶۸. V. Chichoev, Iran - Osmaletis ۱۶۳۹

Tbilisi, ۱۹۴۷:

جاواخیشویلی، تاریخ مردم گرجستان چاپ چهارم، تفلیس،

۱۹۴۷.

S. Kakabadze, Sakartvelos istoria, akhali

۱۹۲۲: saukuneebis epoca (۱۵۰۰-۱۸۰۱), Tbilisi,

س. کاکابادزه، تاریخ گرجستان، دوره قرن‌های جدید (۱۵۰۰-

۱۸۰۱)، تفلیس، ۱۹۲۲.

V. Gvritishvili, Narkvevebi sakartvelos

istoriidan [XV-XVII], II Tbilisi, ۱۹۶۵:

گوریتیشویلی، شرح‌ها از تاریخ گرجستان [۱۵-۱۷]، چاپ دوم،

تفلیس، ۱۹۶۵.

گاباشویلی، نظام فتودالی گرجی در قرنهای ۱۶-۱۸.

۶۶. V. Gabasvili, Sparsulu dasuramali,

TSU shromebi XXX, Tbilisi, ۱۹۴۹, gv.

۱۹۱-۲۲۰: Sepianta sakhelmtsipo,

Narkvevebi makhlobeli agmosavletis

istoriidan, Tb., ۱۹۵۷, gv. ۲۳۴-۲۴۴:

گاباشویلی، دستورالعمل ایرانی، دانشگاه دولتی تفلیس ۳۰،

تفلیس، ۱۹۴۹، صص. ۲۲۰-۲۳۰.

دولت صفوی، شرح‌ها از تاریخ خاور نزدیک، تفلیس، ۱۹۵۷،

ص. ۲۳۴-۲۴۴.

XVI-XVII ss Kalakebi makhlobeli

agmosavletis savachro urtertobata

shukze, Narkvevebi makhlobeli

agmosavletis Kalakebis istoriidan, Tb,

۱۹۶۶, gv. ۱۶۲-۱۶۵:

شهرهای خاور نزدیک در قرنهای ۱۶-۱۸ در نور روابط

تجاری. شرح‌ها از تاریخ شهرهای خاور نزدیک، تفلیس، ۱۹۶۶،

ص. ۱۶۳-۱۶۵.

K. Kutsia, Sepianta irans Kalakebi da

sakalako tskhovreba, Tb., ۱۹۶۶:

ک. کوتسیا، شهرهای ایران صفوی و زندگی شهری، تفلیس،

۱۹۶۶.

Tazkirat al-mulukis 'tsnobebi

sakartvelos shesakheb, Kartuli

tskarotmsodnoba, III, Tb., ۱۹۷۱, gv. ۲۴۲-۲۷۲.

اطلاعات «تذکره‌الملوک» درباره گرجستان، منابع‌شناسی

گرجی، شماره سوم، تفلیس، ۱۹۷۱، صص. ۲۴۳-۲۷۲.

G. Jamburia, Sotsialuri Urtierloba da

Klasobrivi brdzola sakartveloshi

XVI-XVII., Sakartvelos istoriis

narkvevebi, IV. Tb., ۱۹۷۲, gv. ۲۹۷-۳۲۶:

جامبوری، روابط اجتماعی و مبارزه طبقاتی در گرجستان در

قرنهای ۱۶-۱۸ م. شرح‌ها از تاریخ گرجستان، چاپ چهارم، تفلیس،

۱۹۷۲، ص ۳۲۶-۲۹۷.

V. Guchua, Kartveli Khaikhis brdzola

damoukideblobisa da Politikuri

mtliasnobis agsadgenisatvis XVI-s-shi,

Sakartvelos istoriis narkvevebi, IV., Tb.,

۱۹۷۳, gv. ۸۵-۱۲۶.

گوچوا، مبارزه مردم گرجی برای استقلال و تجدید اتحاد

سیاسی در قرن ۱۶ م. شرح‌ها از تاریخ گرجستان، چاپ چهارم،

shenishvebi daurto V. Puturidzem, Tb., ۱۹۵۵:

اسناد دوزبانه گرجی، فارسی، تألیف متن، ترجمه و ملاحظات را پوتوریدزه انجام داد. تفلیس، ۱۹۵۵.

V. Puturidze, Sparsuli Sabutebi

Sakartvelos tsignsatsavebshi, tsigni I,

nar. I, Tb., ۱۹۶۱; tsigni I, nak. ۲, ۱۹۶۲,

tsigni I, nak. ۲, ۱۹۶۵:

پوتوریدزه، اسناد فارسی در آرشویه‌های گرجستان، کتاب اول،

بخش یکم تفلیس، ۱۹۶۱، کتاب اول، بخش دوم، تفلیس، ۱۹۶۲،

کتاب اول، بخش سه، تفلیس، ۱۹۶۵.

D. Katsitadze, XVI-XVIIss. Sparsuli

dokumenturi tsarkoebi sakartvelos

istoriisatvis, kavkasiur- akhloagmosavluri

krebuli, II. Tb. ۱۹۶۲, gv. ۱۹۸-۲۱۶:

کاتسیتادزه، منابع سندی فارسی قرنهای ۱۶ - ۱۷ م. درباره

تاریخ گرجستان، مجموعه قفقازی - خاور نزدیکه، شماره دوم،

تفلیس، ۱۹۶۲، ص. ۱۹۸ - ۲۱۶.

T. Abashidze, Orenovani Sabutebis

sparsuli natsilebis diplomatikuri

lavireburebani, matsne (istoriis seria),

۱۹۷۲, N۲, gv. ۶۳-۸۰:

آباشیدزه، خصوصیات سیاسی قسمتهای فارسی اسناد دوزبانه،

مجله مانسنه (نشریات تاریخی)، ۱۹۷۲، شماره ۲، ص. ۶۳-۸۰.

Kartul-Sparsuli istoriuli sabutebi, texti

daadgina da targmani, komentari,

leksikoni da sadziebeli daunto N. Dundum, Tb. ۱۹۸۴.

اسناد فارسی - گرجی، با تألیف متن، ترجمه، ملاحظات

دوندوم. تفلیس، ۱۹۸۴.

۷۱. E. A. Pakhomov, Moneti Gruzii,

Tbilisi, ۱۹۷۰, S ۲۱۵-۲۱۸:

پاکوموف، سکه‌های گرجستان، تفلیس، ۱۹۷۰، ص ۲۱۵ -

۲۱۸.

T. C. Kutelia, Gruziai sefevidski Iran

(Po dannim numizmatiki), Tbilisi ۱۹۷۹.

ت. س. کوتلیا، گرجستان و ایران صفوی (طبق اطلاعات

سکه‌شناسی)، تفلیس، ۱۹۷۹.

D. Kapanadze, Kartuli numizmatika,

Tb., ۱۹۶۹, gv., ۱۲۷-۱۴۰.

کاپانادزه، سکه‌شناسی گرجی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۱۲۷-۱۴۰.

L. Tghilashvili, Kakhetis Kalakebi, Tb.,

۱۹۸۰, gv., ۱۶۳-۱۷۶:

چیلایشویلی، شهرهای کاختی، تفلیس، ۱۹۸۰، ص ۱۶۳-۱۷۶.

T. Kutelia, Iranuli Spilendzis Pulis Katalogi, Tb., ۱۹۹۰.

کوتلیا، کاتالوگ سکه‌های مسی ایرانی، تفلیس، ۱۹۹۰.

۷۲. I. P. Petrushevski. Ocherki istorii

feodalnikh otnosheni V Azerbajzani i

۱۹۴۹: Apmenii V XVI-nachale XIXv., L.,

پتروشوسکی، شرح تاریخ روابط فئودالی در آذربایجان و

ارمنستان در قرنهای ۱۶ و اوایل قرن ۱۹ م. لنینگراد، ۱۹۴۹.

A. A. Rahmani, Tarikh - e - Alam-arai-I

Abbasi Kak istochnik po istorii

Azerbajjana, Baku, ۱۹۸۱:

ts. Zavi da Sakartvelo, narkvevebi

agmosavletis istoriidan Tb., ۱۹۸۷, gv.,

۳۳۵-۳۳۶:

و. جیجوف، پیمان ایران و عثمانی در سال

۱۶۳۹ م. و گرجستان، شرح‌ها از تاریخ شرق،

تفلیس، ۱۹۵۷، ص. ۳۳۵ - ۳۳۶.

M. Svanidze, Sakartvelo- Osmaletis

urtiertobi istoriidan:

Sakartvelo - Osmaletis istoriis

narkvevebi, Tb., ۱۹۹۰:

از تاریخ روابط گرجستان و عثمانی، همان.

سونیدزه، شرح روابط گرجستان و عثمانی،

تفلیس، ۱۹۹۰.

N. Shengelia, XV-XI Ss. Sakartvelos

istoriis osmaluri tsarkoebi, Tb., ۱۹۷۴:

شنگلیا، منابع عثمانی درباره تاریخ

گرجستان قرنهای ۱۵ - ۱۹ م. تفلیس، ۱۹۷۴.

Turkuli tsarkoebi XVI s. I meotkhedis

samtskhe-saatabagos istoriisatvis.

Turkuli dokumentebi kartuli targmanit,

gamokvlevit da shenishvebit gamotsa

Ts. Abuladzem, Tb., ۱۹۸۳:

منابع ترکی درباره تاریخ سامتسخه - ساتاباگو در نیمه اول

قرن ۱۶. اسناد ترکی با ترجمه گرجی، با تحقیق و با ملاحظات

ابولادزه، تفلیس، ۱۹۸۳.

۶۹. E. Mamistvalashvili, Sepianta

sakhelmtsiposhi mimdinare politikuri

brdzola da kartvelebi (۱۵۷۶-۱۵۷۸),

matsne (istoriis seria), ۱۹۷۲, ۴, gv. ۱۰۷-۱۱۷:

مامیستوالاشویلی، مبارزه سیاسی در دولت صفوی در گرجیان

(۱۵۷۶ - ۱۵۷۸)، مجله مانسنه (نشریات تاریخی)، ۱۹۷۲، شماره

۴، ص. ۱۰۷ - ۱۱۷.

R. Buchthaladze, Iranis agresijuli politikis

tsinamdzgvrebi kakhetis samepos

tsinaagmdag XVI-XVIIss. Makhlobeli

agmosavletis istoriis saktikhebi. II, Tb., ۱۹۷۲, gv. ۸۵-۹۰:

بورچولادزه، راهبران سیاست تجاوز ایران بر ضد

شاهزاده‌نشین کاختی در قرنهای ۱۶ - ۱۸ م. مسایل تاریخ خاور

نزدیک، چاپ دوم، تفلیس، ۱۹۷۲، ۸۵ - ۹۱.

B. Javakhia, Kartvelebi iranisi politikuri

da samkhedo sarbielze [A dam

Oleriusis mikhedvit], TSU shromebi,

Tb., ۱۹۸۲, N ۲۲۷, gv. ۱۶۷-۱۷۹.

جاواخیا، گرجیان در میدان سیاسی و نظامی ایران، (طبق

اطلاعات آدام التاریوس) دانشگاه دولتی تفلیس، تفلیس، ۱۹۸۲،

شماره ۲۲۷، ص. ۱۶۷ - ۱۷۹.

۷۹. M. Khubua, Sakartvelos muzeumis

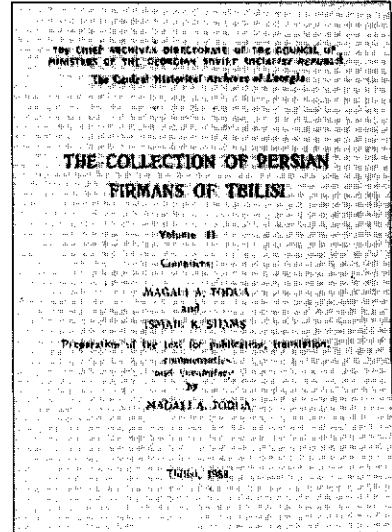
sparsuli pirmanebi da hokmebi, Tb., ۱۹۴۹:

خوبوا، فرمانها و احکام فارسی در موزه‌های گرجستان.

تفلیس، ۱۹۴۹.

Kartul - Sparsuli orenovani istoriuli

sabutebi, texti daadgina, targmani da



از کتابهایی که وقایع گرجستان قرن دهم ه. ق / شانزدهم میلادی را نشان می دهد و

با شیوه خاطرات نوشته شده،

در ردیف اول باید از کتاب اسناد با

شرح وقایع تاریخ که توسط ژوانیا

[Jvania]

جمع آوری و

به چاپ رسیده

نام ببریم.

علاوه بر این

کتاب

«وقایع نامه‌های

کوچک»

یا «یادداشت‌های

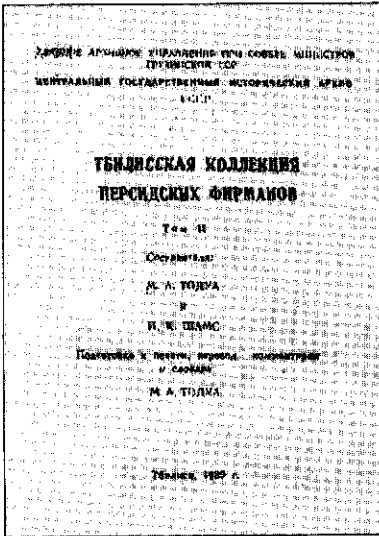
تاریخی کینکلسنی

(Kinklosnebis

Minatserebi)

istoriuli

نیز مهم است



Studia Iranica, V. ۱۹۷۸, fasc. ۲, Leiden,

p. ۲۱۳-۲۴۹.

J. L., Bacque-Geammont et Ch. Adle,

notes sur les Safavides et la Georgia,

۱۵۲۱-۱۵۲۴, Etudes Turci-Safavides VIII,

Studia Iranica, Leiden. ۱۹۸۰, t. ۹, fasc ۲,

s. ۲۱۱-۲۳۱.

J. L., Bacque-Geammont, Sur Quelques

Problems di l'histoire de la Geogrie

entre ۱۵۱۸ et ۱۵۲۴.

۲۴. Savory R. Iran under the Safavids,

Cambridge university Press, ۱۹۸۰.

۲۵. The Cambridge History of Iran, Vol.

۶. The Timirid and Safavid Periods,

Edited by Peter Jackson and Louience

Lockhart, Cambridge University Press.

رحمانی، [تاریخ عالم آرای عباسی] به عنوان منبع تاریخ
آذربایجان، باکو، ۱۹۸۱.

O. A. Efendiev, Obrozovanie

Azerbajjanskogo gosudarstva Sefevidov

V nachale XVIv. Baky, ۱۹۶۱.

افندیفیه تشکیل دولت آذربایجان صفوی در آغاز قرن ۱۶.

Azerbajjanskoe gosudarstvo Sefevidov, Baky, ۱۹۸۱:

دولت آذربایجان صفوی، باکو، ۱۹۸۱.

O. F. Akimushkin, O Prodvornoi

Kitabkhane Sefevida Takhmaspa I V

Tebrize. Srednevekovi Vostok. Istoria,

Kultura, istochnikovedenie. M., ۱۹۸۰, s. ۵-۱۵:

آکیموشکین، درباره کتابخانه دربار شاه طهماسب اول در

تبریز. شرق در قرون وسطی. خاورشناسی تاریخ فرهنگ مسکو،

۱۹۸۰، صص. ۵-۱۵.

K. Babaev, Voennaia refoma shaha

Abbasa I. Vestnik MGU, seria XIV,

Vostokovedenie, ۱۹۷۳, NI, s. ۲۱-۲۶:

بابایفیه اصلاحات نظامی شاه عباس اول، مجله دانشگاه

دولتی مسکو، وستیکنک، نشریات ۱۶، خاورشناسی، ۱۹۷۳، شماره

یک، صص. ۲۱-۲۹.

P. P. Bushev. Istoria Posolstv i

V ۱۵۸۸-۱۶۱۲ gg., diplomaticheskikh otnisheni ruskogo i

M., ۱۹۷۶. iranskogo gosudarstv

بوشف، تاریخ سفارت‌ها و روابط سیاسی دولت‌های ایران و

روسیه در سالهای ۱۵۸۸-۱۶۱۲، مسکو، ۱۹۷۶.

M. C. Ivanov, Istoria Irana. M., ۱۹۷۰:

ایوانوف، تاریخ ایران، مسکو، ۱۹۷۰.

L. A. Semenova, Orden Karmelitov Kak

orudie Proniknovenia evropoitsev V

Iran. Blijni i Sredni Vostok. Sbornik

Statei, M., ۱۹۶۲, s. ۹۴-۱۰۵:

سمیونووا، مذهب کارملیتها به عنوان اسلحه برای وارد شدن

اروپائیان در ایران، خاور نزدیک و میانه، مجموعه مقالات، مسکو

۱۹۶۲، صص ۹۴-۱۰۵.

N. V. Pigulevskaia., A. U. Iakovovitski.,

I. P. Petrushevski., I. V. Stroeva., A. M.

Belinitski., Istoria Irana s drevnikh

Vremen do Kontsa XVIII Veka, Leningrad, ۱۹۵۸:

پیگولوسکایا... تاریخ ایران از زمان قدیم تا اواخر قرن ۱۸،

لنینگراد، ۱۹۵۸.

پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان

سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۴.

M. M. Ashrafi, Iz razvitiia miniaturi

Irana v XVIv., Dushanbe, ۱۹۷۸.

اشرافای، پرورش مینیاتور ایرانی در قرن ۱۶ م. دوشنبه،

۱۹۷۸.

۳. J. L., Bacque-Geammont et Ch.

Adle, notes et documents sur

Mze-Cabuk, atabag de

Georgiemeridionale (۱۵۰۰-۱۵۱۵) et Les

Safavides, Etudes Turco-Safavides V,

۱۹۸۶. کتاب مورخ

معروف ارمنی،

«اراکل داوریزتس»

(Arakel Davrijents)

به نام

«کتاب تاریخ‌ها»

در زمینه جنگ ایران

و عثمانی،

وضعیت مردم قفقاز

و مخصوصاً

مبارزه گرجیان

بر ضد عثمانیان و

قزلباشها،

به طور گسترده

آمده است

۷۶. نصرالله فلسفی، جنگ چالدران، مجله دانشکده ادبیات،

۱۳۳۲؛

نصرالله فلسفی، زندگی شاه‌عباس اول، تهران، انتشارات

دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، پنج جلد.

درباره این اثر نصرالله فلسفی، گاباشویلی تحقیق کرده است.

V. Gabashvili, Nasrola Falsafi, shah

Abbas I tskhovreba, t. I. II, Teirani,

Agmosaviuri Krebuli, I. Tb., ۱۹۶۰,

gv. ۲۷۲-۲۷۹. ۱۳۳۳،

گاباشویلی، نصرالله فلسفی، زندگانی شاه‌عباس اول، ج ۱،

تهران، ۱۳۳۳، مجموعه شرقی، شماره ۱، تفلیس، ۱۹۶۰، ص.

۲۷۲-۲۷۳.

۷۷. Sarvar. Ghulam, History of shah

Ismail Safawi, Aligarh, ۱۹۳۹.

[ترجمه فارسی: شاه اسماعیل اول، ترجمه مهربان آرام، نشر

دانشگاهی، تهران]

۷۸. ایران در زمان صفویه، تألیف دکتر احمد تاج‌بخش، تبریز

۱۳۴۰.

تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا عصر حاضر، دکتر

محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۵۳.

Dr. Nasir Ahmad, Adilshahi Diplomatic

Missions to the court of shah Abbas.

Islamic Culture, An English Quarterly,

Vol. XLIII, N ۲, Hyderabad-Deccan,

۱۹۶۹, p. ۱۴۳-۱۶۱: The Beginings of

Modernization in Iran, The Policies and

reforms of shah Abbas by Farman

Farmayan Hafez. Middle East Center

University of Utah Salt Lake City, Utha,

۱۹۶۹, p. ۵-۳۵.

Hossein Nasr, Religion in Safavid

Persia, p. ۲۷۱-۲۸۶:

Hamid Algar, Some Observations on

Religions in Safavid Persia, Iranian

Studies, Vol. VII, Winter-Spring, ۱۹۷۴, N ۱-۲, p. ۲۸۷-۲۹۳: